



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

حامل متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۸۴۱

صفحه ۲۴۱۷

بزرگوار: سید محمد هاشمی

۵ شنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۲۶

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۴۱

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح مذاکرات سی و ششمین جلسه دوره پانزدهم از صافه ۱ تا ۱۳
- ۲ - اجلاس مجلس
- ۳ - آگهی های رسمی

مذاکرات مجلس

جلسه ۳۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳ شنبه ۱۵ دیماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بقیه مذاکره در برنامه دولت
- ۳ - موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه

مجلس ساعت شش بعد از ظهر بر ریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مجلس

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۳ دیماه را آقای فولادوند (منشی) قرائت نمودند

ساعت شش بعد از ظهر روز یکشنبه سیزدهم دیماه مجلس بر ریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسه پیش قرائت گردید .
اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

غائبین با اجازه - آقایان: مین زاده - اورنگ حسین و کیل - عباس مسعودی - شهاب خسروانی مهدی مشایخی .

غائبین بی اجازه - آقایان : اردشیر شادلو - حسن اکبر - کامل ماکوئی - محمد تقی بهار - احمد دهقان - دکتر رضا زاده شفق - محمد ساعد - عزت الله بیات .

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : جواد هامری عزیز اعظم زنگنه - دکتر راجی - تولیت - رستم کیو - منصف - دکتر طباطبائی - محمد علی مسعودی - خسرو هدایت - دکتر عبده مسعود نایبی - نیکپور.

وزیر خارجه معرفی شده باشد - در سیاست داخلی معتقد بودند قوانینی که هنگام توقف قشون متفقین بحکم اجبار در قسمت نشر اسکناس و تعیین نرخ لیره وضع و موجب ترقی هزینه زندگی شده باید تجدید نظر شود و اجازه نشر اسکناس در اختیار مجلس باشد و قیمت لیره بیکصد ریال و دویست و پنجاه ریال تثبیت شود سپس با اشاره بطلب بازرگانانی که تمهید ارزی دارند گفتند باید موجبات تشویق ایشان و تکثیر صادرات را فراهم کرد و در قسمت توازن بودجه نظر داشتند که دستگاه دقیق و منظمی برای نظارت در آمد و هزینه کشور ایجاد شود و تأکید نمودند که از حمل کالای ارزی در تمام مملکت باید جلوگیری شود و راجع باحیای نیروی دریائی بوزارت جنگ تذکری دادند و در خاتمه تقاضا نمودند شاهرهی که محصول خشکبار آذربایجان را بدویای آزاد برسانند و کردستان نیز از آن استفاذه کنند ایجاد شود همچنین لازم شمرند که دولت از اعمال نفوذ عمال خود در انتخابات مهاباد جلوگیری کند .

آقای دکتر ملکعی بعنوان موافق نخست توضیعی از مشروطیت دادند که تا کنون کاری برای ملت انجام نیافته و بعد در اصلاح امور اقتصادی گفتند باید از منابع طبیعی و نیروی کار نتیجه گرفت - سپس با قافاتی بابتی و چوبهای بریده شده جنگلها و صادرات ماهی از خلیج فارس و کشت و زرع مواد مفیده اشاره و اضافه نمودند که مشکلات و اعمال افراط اداری را باید از میان برداشت و وسائل کار در اختیار جوانان تحصیل کرده گذاشت و پیشنهاد

علی و کیلی - قهرمان - گلپادی - خوئیلر - احدی حاج امین - اهزاز نیکویی - دکتر ملکعی - بوداغیان - آقای دکتر راجی اظهار نمودند هنوز در مخالفت خود نسبت بنمایندگی آقای باتمانقلیچ باقی هستند و اکنون که اعتبارنامه ایشان تصویب شده خوبست تمهیدات خود را نسبت به بنگاه نیکوکاری و تیمارستان انجام دهند - آقای باتمانقلیچ در این باب توضیحاتی دادند و صورت مجلس تصویب شد - آقای آشتیانی زاده قبل از دستور راجع بکارگران اجازه صحبت می خواستند و آقای کشاورز صدر مخالف بودند بورود در دستور اخذ رای و تصویب گردید - آقای اردلان بعنوان مخالف در برنامه دولت وارد صحبت شدند و نسبت بسیاحت خارجی گفتند خواهان دوستی صمیمانه و شرافتمندانه باتمام دول بالاخص با دول شوروی و انگلستان و امریکا میباشد و تأیید نمودند که از نیروی معنوی مجمع ملل متحد نیز باید استفاده کرد و لازم بود درینموقع

نمودند که بیونی از اشخاص صالح تشکیل شود و کسانی که تروشان از یکمیلیون ریال بیشتر است از کار برکنار و دزدان و رشوه خواران تبعیت شوند همچنین با مقایسه دخل و خرج بست کشور از وضع نامنظم و غیر مقید آن توضیحاتی دادند و نسبت بوزارت بهداری و طبیب ودوا و لزوم جلوگیری از بیماریها مخصوصاً تراخم توجه دولت را جلب نمودند و نیز در موضوع منع کشت تریاک با فرائض تصویب نامه هیئت وزیران راجع بخرید تریاک تقاضا نمودند قانون منع کشت و استعمال تریاک جداً اجراء شود. در هزینه کشور صرفه جوئی بعمل آید و از مازاد ایداعات بکارهای تولیدی بپردازند تا بدون احتیاج باستقراض اصلاحات اساسی اقتصادی انجام پذیر گردد و در سیاست خارجی معتقد بودند با اتخاذ رویه صلح در سیاست داخلی سیاست خارجی را می توان بمصلحت کشور در دست داشت و در خاتمه اجرائی نقشه هفت ساله را از دولت خواستار شدند.

همومی اولین قدم اصلاحی حکومت است و مالیاتها باید به تناسب هوایه مردم وضع و آنچه با نصیبتانه ایجاد شده موقوف و مغایر غیر ضروری از بودجه کشور حذف گردد و تأکید نمودند که اقلام ریز بودجه مطیع و توزیع شود همچنین برای استحکام بیانی مشروطیت میباید از دستگاههای حکومتی نباید از نظارت مجلس دور باشد و با اشاره بامور بانک ملی گفتند دخل و خرج بانک باید تحت نظارت کامل در آید سپس مراقبت کامل در اجرای قوانین و مبارزه با فساد اداری و اخراج مستخدمین نادرست را لازم شمرده گفتند بر احوال و نقشه های مفید حکومت سابق نیز نباید خط بطلان کشید و معتقد بودند مادم که دستگاه ممالیه مملکت و چرخهای آن پاک نشده و نهدم مخارج اداری و اسرافات حذف نگردد و دستگاه نظارت دقیق و سخت گیر و غیر قابل تغییر در مملکت بوجود نیامده زیر بار قرض داخلی یا خارجی نباید رفت که از اعظم مفاسد است و بعد با بیان شرحی از قروض سابق ایران و تأثیر وجود مجلس در جلوگیری از اسرافات گذشته و چندین صد میلیون قروض فعلی دولت بیانگامی گفتند اصلاحات اساسی اقتصادی را باید بوسیله منابع غیر مالیاتی مملکت عملی ساخت و رفاهیت بزرگان را مقدم بر دیگران داشت و در شهرستانها ایجاد مدارس صنعتی کرد و مستخدمین زیادی را به علمی مدارس شهرستانها و دهات گماشت و بعد تقییل واردات و حفظ صنایع داخلی را از مهم ترین اصلاحات اساسی شمرده و در سیاست خارجی اظهار عقیده نمودند که پشتیبانی متحد از حکومت با قدرت و مورد پسند ملت اولین شرط حفظ سیاست خارجی مملکت است و دولت باید همیشه بیطرفی را با حوصله زیاد حفظ کند و در خاتمه یاد آوری نمودند که کیسیون بودجه در تعیین تکلیف بودجه تسریع کند و راجع باتومبیلهای سفارت لندن که آقای فولادوند اشاره کرده بودند گفتند بیش از یکدستگاه نبوده آتم کهنه و فرسوده که از تعمیرات نیز اسماک کرده اند.

ساعت نیم بعد از ظهر مجلس خانه یافت و جلسه آینده بروزشه شنبه معول دستور بر برنامه دولت مقرر گردید
رئیس - نسبت بصورت جلسه اعتراضی نیست
دکتر ملکلی - بنده مرضی دارم
رئیس - بفرمائید
دکتر ملکلی - در صورت مجلس نوشته شده است که بنده عرض کردم که از مشروطه، ایران استفاده ای برای ایران نشده است بنده چنین عرضی نکردم، بنده عرض کردم که در ۴۲ سال مشروطیت ایران دولتهایی که روی کار آمده اند برای ایران کاری انجام نداده اند کار مفید و بزرگی نکرده اند و ملت ایران در یک بدبختی بزرگی زندگانی میکند خواهش میکنم این را اصلاح بفرمائید
رئیس - اصلاح میشود، صورت جلسه تصویب شد، نوبت سخن با آقای دماوندی است که با آقای عباس اسکندری داده اند آقای اسکندری بفرمائید.
عباس اسکندری - موضوع مخالفت بنده با دولت آقای حکیمی مبنی بر این نیست که با دولت گذشته موافق بودم و حالا آن دولت سقوط کرده است و دولت حاضر مورد مخالفت بنده است، با دولت آقای قوام السلطنه مخالف بودم و لا یش را در همین مجلس در پشت کرسی خطاب عرض کردم اصولاً با دولتهایی که بر گرام

مار رفقای ما را بطور کلی مورد بررسی و دقت قرار نهند بنده و رفقای ما چه در داخل مجلس چند نفری که هستند و چه در خارج مجلس اکثریت نامی کدر این کشور هست مخالفت میکنم و البته آن بر گرامی که عرض میکنم حقیقتاً ما به سادات این کشور خاهد بود روزی که من و رفقای من موفق شدیم وزمام حکومت را بدست گرفتیم امید است تا آن روز دبری نخواهد گذشت، آن برنامه را بوجه انتم و اکل اجرا خواهیم کرد انشاء الله ولی تا وقتیکه این توفیق حاصل نشده است با حکومتها تکیه روی... (محمد علی مسعودی رفقا را معرفی ننماید) رفقای ما اکثریت نام این کشور هستند که در کمال تیره روزی زندگانی میکنند و هیچوقت هیئت حاکمه این مملکت در فکر آنها نبوده اند (بعضی از نمایندگان - آنها رفقای ما هم هستند) چه بهتر پس همه آقایان جزو آن جمعیت ما هستند (خنه نمایندگان) بهر حال تا وقتیکه آن حکومت زمام امور را بدست نگرفته است هر حکومتی که در این کشور تشکیل میشود بتناحب نزدیکی و دوری که با برنامه مادارد ما با او موافقت یا مخالفت میکنیم و موافقت و مخالفت ما هم شدت و ضعف خواهد داشت با جناب آقای حکیمی بنده از زمانیکه مرحوم مشیرالدوله کابینه دومشان را در مجلس چهارم تشکیل دادند و ایشان ست وزارت عدلیه را داشتند توفیق آشنائی نزدیک پیدا کردم و در تمام موارد هم نسبت با ایشان ارادت داشتم و البته مذاکراتی که بنده اینجا میکنم هیچ مربوط باین نیست که تصور کم از ادنی نسبت بشخص ایشان شود، اینجا یک اصول کلی و سیاسی است و آقایان وزراء هم البته باستانی یکی دو نفر که نسبت بآن آقایان اعتراض دارم و در این باره بناخواهش جمعی از نمایندگان و رفقا و دوستان از ذکر اسم آنها و حتی مورد مخالفت را هم صرف نظر میکنم، زیرا تغییر در وضعیت مخالفت من با دولت نخواهد داشت مثلاً در طی مخالفت خود مطالب کلی را به عرض می رسانم آقایان نمایندگانی که مخالفت بنده بر روی دو اصل سیاست داخلی و خارجی دولت است - ۱ - در سیاست داخلی دولتهایی که در این کشور تشکیل میشوند باید با مجلس شورای ملی همکاری بکنند و قوانین جاریه مملکت که در اینجا بتصویب نمایندگان در ادوار مختلفه رسیده است در اجرای آن کوشا باشند، و در درجه اول رعایت قانون اساسی را باید بنمایند که وثیقه ملی ملت ایران و هیئت حاکمه او است البته این مطالبی که اینجا گفته میشود با مقدمه ای که ذکر کردم مربوط باین نیست که امروز که آقای حکیمی دولت تشکیل داده اند ایشان یک مطالبی را در لوح نسیان گذاشته باشند بنده منظور من این است که این عملیات باید حتماً از طرف دولتهای وقت بوقع اجرا گذاشته شود و بالاخره اصل مشروطیت در این مملکت حکمفرما باشد (صحیح است - صحیح است) برای اینکه آقایان نمایندگان شاید در خارج از مجلس زیاد فرصت مراجعه بقانون اساسی نداشته باشند و مراجعات موکلینشان بینهایت آنها را در زحمت گذاشته باشد بنده چند ماده متروکه از قانون اساسی را اینجا عرض آقایان میرسانم و این مواد باید حتماً از طرف دولتهای وقت مورد رعایت باشد. این قانون

اساسی ما اصولاً یک قانون متروکه و فراموش شده است، کسی در این مملکت باین قانون احترام واقعی را نمیکند و علت تیره روزی و بدبختی این مملکت همین است که دولتهای وقت در برابر قانون زانو بزمین نمی زنند و هیئت حاکمه هنوز نمیدانند که خدمتگذار مملکت است و موظف است و حقوق میگیرد و باید در برابر مجموعه توده ملت ایران و برای حفظ حقوق آنها قدم بردارد و برای آنها خدمت بکند و بالاخره همه باید بدانند که در مقابل تساوی قانون همه باید احترام بکنند و همه باید زانو بزنند و خدمت بکنند تمام قدرت های شخصی در برابر قانون باید از میان برود و چیزی جز قانون نباید بر مردم حکومت کند. (احسن - صحیح است) بدبختی ما در این است که متأسفانه این موضوع رعایت نشده و الا تمام مردم ایران وقتیکه نگاه میکنیم باستانی نقص مزاجی که دارند و سایر چیز های کوچک دیگر اینها مثل سایر مردم ملل عالم هستند چطور ما هم قدم بر میداریم مثل گاوک عصار یک قدم جلو نمیرویم و بنده از چهل و دو سال قدمی پیشرفت ننموده ایم در صورتیکه وقتی بسایر ممالک نگاه میکنیم می بینیم آنها چقدر جلو میروند، امپراطوری با عظمت ژاپون در مدت شصت سال بوجود آمد و باوج عظمت رسید و چهل دو سال است که از عمر مشروطیت ما گذشته است و هنوز القاب روز اول تکرار میشود و شاید عقب هم رفته ایم، مثل اینست که حکومتهای ما میل ندارند و نخواستند در این مدت خودشانرا آشنا بکنند باین حقایق که حقوق میگیرند و باید برای مردم خدمت بکنند (صحیح است) اینها بدبختی هائی است که بالاخره اینجا باید گفته شود آقای حکیمی و دولت ایشان تا هر حکومتی که بعد از ایشان زمام حکومت را بدست میگیرد باید بداند روز حسابی بالاخره در این مملکت هست و آن روز حساب را بدکاران و گناهکاران خیال میکنند خیلی دور است ولی من خیال میکنم که بسیار نزدیک است و روز قیامت نیست در این دنیا است، آقایان بالاخره محکمه ای تشکیل میشود همینطور تا شایع خواهد داشت، همینطور هیئت حاکمه خواهد داشت، بکنفر بنام مدعی العموم خواهد گفت که شما حقوق گرفتید، شما روز های خوش مملکت را گذرانید نتیجه عمل شما چیست، غفلت های شما، بدکارهای شما، سوء استفاده و مسامحه شما این همه بدبختی را ایجاد نمود و... الی آخر.

بنده معالجه را برض میرسانم تقسیم بندی کرده ام در قسمت داخلی بطور کلی در این مملکت چندین وزارتخانه هست که این وزارتخانه ها برای رفع حوائج و بدبختی های این کشور طبق مقتضیات قانون تشکیل شده قانون اساسی هم اجازه داده اگر هم لازم باشد بازم بیشتر میشود واقف از خودمان بیرسیم با تمام بدبختیهای این مملکت که از سواحل خلیج فارس تا کرانه رودارس یکسان است آیا این وزارتخانه ها همان وظیفه ای که ملت ایران یا قانونگذاران در نظر داشتند همان را انجام میدهند؟ بدبختی این است که باور کنید روزی هائیکه بمران است می بینیم مردم میخندند و میگویند چند روز بمران است و راضیم، چه بدبختی بالا

تر از این میشود تصور کرد که مردم انتظار داشته باشند تا در مملکت بمران باشد و از شهیبت حاکمه بلکه چند روزی آسوده بمانند چرا اینطور شده است؟ از برای اینکه مردم امیدواری که نسبت به دولتهای وقت باید داشته باشند ندارند و بر خلاف نگرانیهای دارند که وقتیکه اینها را می بینند نا راحت میشوند، ما وزارت دادگستری داریم وزارت دادگستری ما باید عدالت را در مملکت تعمیم بدهد و تأمین بکند. صحبت از وزیر دادگستری نیست صحبت از وزارت دادگستری است. شهربانی باید تمام مردم آرزو داشته باشند که عده پلیس زیاد گردد و افراد انتظامی زیاد شود که آنها بیدار باشند و باس بدهند تا مردم شبدر خانه شان راحت بخوابند باور ندارید وقتیکه مردم می بینند روبروی خانه شان پلیس هست نا راحت ترند چرا؟ از برای اینکه اینها اضافه بر تمام آن بدبختی هائی که هست بکنوع مطالبه و تقاضاهائی هم دارند حالا فرض کنیم که یک نواقصی در وضع اداره آنها باشد باید آن نواقص را رفع کرد من نمیگویم که حقوق پاسبان کافی است حقوقش را بیشتر کنید بیشتر باو بدهید، پاسبان بمعنای حقیقی باید باشد که وقتی ما شب در منازل خود میخوابیم با خیال راحت بدانیم که پاسبان آنجا در محلهای دیگر همیشه مردم تقاضا دارند بطریق و شوارع با قصبه و دهکده بهستهای زاندام، مستقر باشد و التماسهای کنند که یک بست زاندام در محلی افزوده شود آیا کسی در این موضوع انکار دارد که هر جا بست زاندام مری می خواهند بگذارند مردم هزا می گیرند و خواهش می کنند که آنرا یک آبادی دیگر بگذارید برای چه اینطور است؟ برای اینکه زاندام وظیفه خودش را انجام نمی دهد اینها بدبختی است اینها تیره روزی است بنده خواستم که آقای وزیر کشور گذشته از اینکه بنده سابقه ارادت با ایشان دارم و یک مرد خوبی هستند (صحیح است) در این مورد دلت کنند دلم می خواهد که ایشان حرفهای مرا گوش کنند و به بینند می توانند انجام وظیفه نمایند یا نمی توانند اگر نمی توانند از اینجا که تشریف بردند بروند منزلشان باید شهربانی وظایفی را که قانون برای او معین کرده عمل کنند شهربانی دو وظیفه دارد یکی وظایفی است که باید تابع وزارت کشور باشد و وظیفه دیگر او طبق صریح قوانین ضابطه عدلیه است، ضابطین عدلیه بایستی عملی که میکنند مطابق احکام دستور دادستان ها باشد و در قسمت جلب مردم و اقداماتی که می کنند یا بخانه مردم وارد میشوند و کارهایی که میکنند باید تمام را از دستور قانون تبعیت بکنند آقای وزیر دادگستری باید بدانند که اگر می توانند شهربانی را اداره بکنند و آنها بوظایف خودشان رفتار خواهند کرد قبول مسئولیت کنند من بدولت آقای قوام - السلطنه هم گفتم و باین دولت هم می گویم چون من می بینم که آقایان اکثریت زود خسته میشوند و هر روز دولتها نو که می شوند بدولتی که بدهم می آید همین را خواهم گفت، باید بطور قطع وقتین این را دولتی بگردند که روز دادرسی هست، روز حساب هست آقایان تصور نکنید این روز حساب جوانی و پیری ندارد من که اداره امور را بدست گرفتم کسانی که از دنیا رفته باشند هم آنها را محاکمه میکنم باید

وارد شوند و دیگران در پرتو حمایت نظامی وارد شدند (آشتیانی زاده - آقا بفرمائید که آقای خسرو هدایت چاقو کشتی هم ۰۰۰) (زنک رئیس) بنده در اسامی اشخاص کاری ندارم بنده در اصول کلی وارد میشوم رسیدگی بجزئیات امر وظیفه دادستان است اجازه بفرمائید آقای آشتیانی زاده بنده از نظر حزب دمکرات ایران صحبت نمیکند اصول کلی را عرض میکنم انشاءالله شما هم نوبتتان میرسد. بنده میگویم که باید حتما در پایتخت مملکت، این موضوع بیشتر مورد دقت قرار گیرد تا کسی که در جزیره قشم و هرمز یا جای دیگر است چه حالی دارد و با او چه معامله میشود... بودن چهار نفر نظامی البته از لحاظ مقدار جمعیتی سکه خودشان را مالک آنجا میدانستند یا از نظر جمعیتی که در آنجا بحکم زور فائق آمده اهمیت ندارد اما یک نفر نظامی نمونه دوست هزار نفر است که شما پشت سرش می بینید یعنی بی احترامی بیک نفر نظامی سرباز بی احترامی بلباس خدمتگزار کشور است و کسانی که از قدرت سوء استفاده میکنند موجب این بی احترامیها هستند بعقیده من مادامیکه حقوق ملت ایران محفوظ است بایستی سرباز، بکسی که صاحب آن لباس است، با فرسهای پاک نهاد باید بجهت آنها احترام کرد (صحیح است) کسیکه این عمل خلاف فاعده را میکند و از نظامی سوء استفاده میکند و او را میکند در یک محلی در صورتیکه مجوز قانونی ندارد او باید تعقیب شود او بهمان لباس بی احترامی کرده است چرا از برای اینکه ممکن است مردم عصبانی بشوند و این سوء استفاده ها ممکن است برای کشور ما که سالی متجاوز از دو دست و پنجه میلیون خرج قشون میکنند گران تمام شود ملت ایران بایستی باین طبقه ای که باید در موقع فداکاری کند و برای حفظ حقوق مردم جان نثاری کند باید احترام داشته باشد (صحیح است) ولی باید بین منافع اشخاص و منافع عامه را فرق گذاشت و از نیروهای دولتی بشفق خصوصی استفاده نکند کسیکه این اقدام را کرده است اعتماد مردم را سلب میکند و بالاخره باید اتراف کرد که در دو ساعت و نیم قبل از سقوط حکومت قوام السلطنه واقعه ای بوقوع پیوست این عمل اسمش را در فارسی پیدا نمیشود کرد در موارد مختلف در مالکی که قضایای غیره ای پیش می آید بنسبت شدت و ضعف آن سه نام میگذارند کود و فرایه، کود و من و کودتا و این یکی از آن موارد است بنظر من کودتا نیست ولی کود و من است و شاید اگر این امور جلوگیری نشود وسیله دست میدهد بیک مردم نادانی که تصور میکنند میشود یک عمل خلافی کرد و در نتیجه همانطوریکه گفتیم برای کشور گران تمام میشود (صحیح است، صحیح است) بنده متأسفم یکی از معمل هاییکه توقیف شد و مورد اشغال شد چایخانه ای بود بنام چایخانه دمکرات ایران معنی بود که محل روزنامه ستاره هم بود و حتی آقای ملک مدیر روزنامه ستاره را همانند کرده و نگذاشته بآنجا وارد شود، روزنامه دمکرات ایران را ممانعت کردند و از چاپ جلوگیری کردند چایخانه همینطور در تحت نظر مأمورین نظامی مانده است در موقعیکه جلسه وارد میشد یک کافه بیننده دادند همین جا جلوی در مفهوم همان است که

گفتم و حاجتی بخواندن ندارد عده از کارگران بلا تکلیف مانده اند و محل آنها اشغال شده دیگران است و این کارگران باید طبق تعهداتی که دارند حروف بچینند و حقوق بگیرند این حوادثی که در جهان می بینیم رخ میدهد دنباله این بی اعتنائی هائی است که از طرف متصدیان امور گاه و بیگاه پیش آمد کرده است آقایان نمایندگان سبل های عظیمی را که می بینید از فطرات کوچکی تشکیل شده که دور هم جمع میشود و بالاخره شهرها را خراب و نابود میکنند و قتیکه آنرا تجزیه کنید باز همان قطر است این عمل خلاف قانون، یک کار کوچکی است گفته میشود یک چایخانه بود، یک تجارتخانه است، چهار نفر هستند، اهمیتی ندارد اینطور نیست بنده از کسانی هستم که تمام شئون این مملکت میگویم باید احترام گذاشت ما خودمان بایستی بقانون اساسی خودمان، بقوانین موضوعه خودمان مادامیکه نسخ نشده احترام بکنیم، دولتهای ما باید نماینده اطاعت بقانون باشند و باید مورد احترام مردم باشند (صحیح است، صحیح است) بدبختی ما در این مملکت این است که دولتهای ما در ازمنه مختلف بحقوق ملتها تجاوز میکنند و بعد در نتیجه مردم آن احترامی که باید بآنها بکنند نمیکند، هیچ مطلب معرمانه ای در بین ما نباید باشد این جا مجلس مغلی بطبع است آدم غریبه ای نیست، خودمان هستیم مطلبی بخارج درز نمیکند، یکمده تماشای و روزنامه نویس هستند و همه خودمانی هستیم، امروز ایران از تمام مالکی که در دنیا هست تیره روز تر است، مردم خوشبخت در میان ملت ایران کسی نیست، من مسافرت کردم بسودان، در سودان یک مردمی هستند، بیشتر شما ها در خانه خودتان از این سودانیها که سیاه هستند داشته اید و وقتی هم هنوز بکسی میخواهید بگوئید درست درک مطلبی نمیکند یا بسیار عقب افتاده است مثل میزبند مثل سیاه افریقائی میماند این سودانیها که بغضیال خودتان از همه عقب ترند باور بکنید که رود نیل بآن عظمت با عرض ۱۵۰۰ متر و عمق متوسط ۳۰ متر از آنجا میگردد و آن سودانی از آن آب نمبخورد و میگوید این آب آلوده است و آب تصفیه شده لوله میخورد، چه بدبختی و چه روزگاری شرم آور تر از اینست که ما در پایتخت مملکت خودمان در تهران می بینیم که آب اوله نداریم من نمیگویم هشتصد میلیون تومان خرج میکنیم و جب مردم فقیر را می کنیم بیشتر هم خرج کنیم حرفی ندارم ولی بگوئید نتیجه عملتان چیست حرفی که مردم میزنند من بشما میگویم اصلا آدمید و دوست ندارم و این وزارتخانه ها نباشند آیا وضعیت بدتری برای مردم پیدا میشود بدتر از این دیگر چه خواهد بود چون رشته سخن باینجا کشید چند کلمه از شهرداری بگویم کدام شهرداری من برای شما مثل میزنم شهرداری که در ۲۷ سال قبل از این شهر بود و شهرداری که حالا داریم این دوتارا برای شما تطبیق میکنم در ۲۷ سال قبل شاهزاده نصرت السلطنه پسر مظفرالدینشا، والی تهران بود یک رئیس بلدیه داشت اسمش اشرف الملک ماهی هم ۱۵۰۰ تومان بود و شهرداری بود که حقوق شهرداری جزو همین مبلغ بود و این آقای اشرف الملک یک تر که بلند دستش میگرفت

و با چند نفر هم فراس میآمد و در شهر گردش میکرد اینها از خیابانها عبور میکردند میرسد جلوی دکانی که خریزه و هندوانه وسط خیابان ریخته بود باجوبش میگفت بفرعق بفرعق بعد میگفت مال کجا است میگفت مثلا مال ایوانکی، بعد میگفت چند تا از اینها را بفرستید منزل از آنجا یک خورده پائین تر میآید در کوچه یا خیابان چند چاله بود میگفت یک اطلاعدار بیاید اینجا و اینجا را خاک بریزد یکجایی دیگر یک قدری گل و خاک روزه بود میگفت یک اطلاعدار بیاید اینها را جمع کند با ۱۵۰۰ تومان همه اینها را انجام میکرد و جمع آوری نمیشد آب تهران همین طور که می بینید آلوده و کثیف بود و سگ مرده هم در این لانه سگ وجود داشت باید گفت لانه حیوانات نباید گفت راه آب مردم هم در این راه آب رخت میشستند آن بالا تر هم یک نفر شستشو میکرد و یکی دیگر خودش را صابون میزد آن یکی هم اینطرف و آنطرف نگاه میکرد و فضولات دکاش را توی آن میریخت، شهر تهران امروز عوارضی در حدود دوازده تا ۱۴ میلیون می پردازد و هیچگونه مزایای بر جسته هم الهی نسبت بگذشته ندارند آبی را که شما ملاحظه میکنید در منتهای درجه کثافت است همه کارها را در این آب میکنند و بعد ما یول میدیم یک عده سپرد اینها چکار میکنند، این ها رفتگر هستند بنده گاهی شبها در بزمزل میرقتم حالا مزاج مستعد نیست (خنده نمایندگان) وقتی که میرقتم ساعت سه و چهار بعد از نصف شب میدیدم این سپور ها جارو و بهان بلندی که در دستشان است تند و تند خیابان را جارو میزدند درست که دقت میکردم میدیدم که اضافه بر آن مقدار کثافتی که در روز در این آب ریخته شده آنچه را مردم نتوانسته اند سیورها حقوق می گیرند که در آب مشروب می مردم داخل نمایند پس معلوم میشود، در تهران ۱۲ میلیون تومان پول میدیم که این عمل انجام شود خوب اگر ما شهرداری نداشته باشیم میخواهیم ببینم شهر تهران اصلا چه ضرری میگردد شما ۱۵۰۰ تومان مبدادید همین کثافت کاری بود حالا ۲۲ میلیون تومان میدید و همان وضعیت شرم آور ادامه دارد من نمیخواهم بگویم که خیابان هائی در موقع اسفالت نکرده اند اقداماتی کم و بیش شده است زحمت هم کشیدند یک اشخاص دیگری هم زحمت میکنند ولی متناسب بایولی که مردم میدهند نیست این برقی را که ما اینجا داریم برق امین الضرب بآن میگفتند این برق روشنائی نمیداد مردم میگفتند یک کبریت بزنیم ببینم که چراغ روشن است یا نه حالا همین طور است آن موقع خاموش میشد حالا هم خاموش میشود، حالا میخواهید بگوئید مردم که دوازده میلیون تومان میدهند و شما بی جهت مصرف میکنید از شما راضی هم باشند شما اعتماد مردم را از خودتان سلب کرده اید - زور از اینها میگیرید صد میلیون دوست میلیون، هشتصد میلیون، بالاخره این هارا همینطور لغت و هور میکنید اما نتیجه آن در با زود شراره ایست که میزند و همه را آتش میزند و خاکستر میکند (صحیح است صحیح است)

بسیاری از صحبت هائیا که بنده می خواستم عرض کنم خوشبختانه آقای تقی زاده اینجا توجه داده اند بنده خیال میکردم که بعد از ۴۲ سال ایشان جای خودشانرا به بنده واگذار کرده اند و بنابر مثل معروف سکه آزاد میخواهان اول مرتجع آخر هسته ولی معلوم شده است ایشان در یک قسمتهائی آن قسمت آزادیخواهی راه نوا تم و اکل حفظ کرده اند و در اینجا فرمایشاتی فرمودند کاملا مطابق نظر من بود و بنده امیدوار هستم که آن ها را دولت حاضر یا دولتهای بعد که میآیند نصب - العین خودشان بکنند بالاخره آقایان تا یک مدتی مردم را میشود بازی داد البته چهل سال برای هر یک مدتی زیاد نیست که گفته شود چهل سال بازی دادیم شصت سال دیگر هم بازی میدهم نه چهل سال زیاد نیست اما آتهائی هم که میبیرند فکر نکنند برای آینده شان عمل خوب یک باقیات و صالحاتی است، یکی از آن چیزهائی که برای ما بسیار بسیار لازم است همانطور که گفتم احترام بشئون مملکت است و من شخصا در درجه اول عقیده که دارم توضیح می دم مملکت ما حد اکثر استمدادش با این وضع مردمی که با این نداشتن فرهنگ و بهداشتی که داریم و مخصوصا نداشتن فرهنگ حد اکثر داشتن یک حکومت مشروطه سلطنتی است این نظر خود من است، و من طرفدار این هستم و رفقای ما هم که گفتم مطابق این قانون اساسی حکومت را در دست میگیرند و بر طبق این قانون عمل میکنند آنها هم این عمل را خواهند کرد و ببقام سلطنت احترام کامل خواهند گذاشت (صحیح است) اما دولتهای وقت بایستی این احترام و در درجه اول حفظ کنند چطور؟ در قانون اساسی ما اختیاراتی و حدودی برای مجلس شورای ملی و برای دولت و برای سلطنت معین کرده است من خیال میکنم قانونگذاران دوره اول که آقای تقی زاده هم یکی از آنها هستند خدمت بزرگی بخانواده هاسلاطینی که در این مملکت سلطنت میکنند مطابق این قانون خدمت بزرگی باین خانواده ها کرده اند. انسان منشا خیر و شر است از فرشته نه خیری بر میآید و نه شر اما در این قانون حقوقی برای پادشاه ما گذاشته شده است که بالا تر از فرشته است یعنی هیچ قسم کار بد حق ندارد بکند و تمام امور خیریه را برایش مجاز کرده است و این برای یک پادشاهی بزرگترین نعمت است که به گوید: چگونه شکر این نعمت گذارم که زور مردم آزادی ندارم باید دولتهای ما متوجه مسئولیت کامل خودشان باشند و حقوق پادشاه را بشناسند و در مواقع لازم تذکرات ضروری را طبق این قانون اساسی بدهند من این جا توضیح میدهم که منظور من از این قضیه چیست ما و رفقای ما علاقه داریم که این قانون اساسی حفظ شود (کشاورز صدر همه علاقه دارند) برای اینکار طبق اصل ۶۴ متمم قانون اساسی که در این جا هست سنویسید: «وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستسک قراردادند سلب مسئولیت از خودشان بنمایند» این منبش این نیست که وزراء شرفیاب نشوند و رئیس دولت که در این قانون بنام صدر اعظم نامیده میشود حضور پادشاه نزد و بکلی در یک خط موازی سیر بکنند ضمیر باید برود و مطالب را عرض برساند و نصایح و مطالبی که از طرف

شخص پادشاه که نفع و صلاح مملکت در آن تشغیص میشود ممکن است بدولت هم بدهند اما دولت نمیتواند در مقابل مجلس به حرف گفتن اینک دستور پادشاه چنین بود سلب مسئولیت از خودش بکنند (صحیح است احسن) ما عقیده داریم در صورتیکه مخالفت ما افراد ما در مخالفت من و کبیل آن تماشای آن یکی افراد ملت ایران که میتواند در حقوق و حدود مصالح مملکت مداخله بکنند بطریق اولی شخص پادشاه رئیس مملکت حق دارد نظر خودش را اظهار بکند مسلما هم خیر و صلاح را در نظر بگیرد اما وزراء باین عنوان نمیتوانند شانه خالی بکنند و یک روزی در مجلس بیایند و بگویند ما بنابر امر و دستور چنین کردیم این هیچوقت مورد قبول من و رفقای من نیست و خیال میکنم با اتفاق مورد قبول مجلس و مجلسیان واقع نشود (صحیح است صحیح است) احترام پادشاه باید در نظر تمام افراد جامعه ملت ایران محفوظ باشد و انشاءالله هم خواهد بود (صحیح است) قانون میگوید مقام سلطنت مقام لایتنر است این وزراء میآیند و میروند حالا با کسی هم کاری دارند یا ندارند نمیدانم (خنده متد نمایندگان) موضوع این است که مقام لایتنر اگر دخالت مستقیمی بنام او شد موافق و مخالف پیدا میکند پادشاهی که در این قانون مقام بالاتر از فرشته باو اعطاشده یعنی باید همه مردم نسبت باو نظر خوب داشته باشند و او را بدرملت بدانند اگر داخل شد در جریانات و دسته های حزبی رفقای ما یا دموکرات جدید یا حزب دموکرات ایران اعتدالی و دموکرات افراطی هر چه میخواهد باشد فرض کنیم هیئت علمیه یا طبقات مختلف دیگر اگر گفته شد که اظهار نظر و اقدامی که ما میکنیم نباید ستوری است بالاخره یک طبقه ای از مردم ناراضی میشوند این مخالف نص صریح قانون اساسی و منظور قانون گذاران است و هیئت دولتی که اینکار را بکند گذشته از اینکه برای شخص پادشاه و مقام سلطنت مضرت است برای خودش مضرت است و نتیجه هم ندارد ما اگر فرصت داشتیم گریبان آن دولت و وزیر را میگیریم میگوئیم حق نداشتید شما این کار را بکنید مطابق این قانون بایستی عمل بکنید بنده به این آقای وزیر جنک علاقه دارم، ارادت دارم در این موارد طولانی که گذشته است باستانی یک قسمتی که همان اوائل امر بود و ایشان حاکم نظامی بودند ایشان کنار بودند و بار سنگینی هم بردوش نداشتند و من امیدوارم که ایشان بتوانند بسهم خودشان یک کارهای خوبی بکنند اما جناب آقای وزیر جنک بنده بشما عرض میکنم اگر یک روزی مخالف این قانون اساسی از طرف وزیر جنک عملی شد بنده شما را استیضاح میکنم شما اگر بفرمائید بنده دستور داده شد آن دستور دوتا پول ارزش قانونی ندارد شما در مقابل قانون مسئولید رئیس دولت رئیس شماست تمام مطالب را هم باید عرض ایشان برسانید و ایشان هم اگر لازم دانسته مرض شاه برسانند و بالاخره تصمیمی که میگیرید هم مسئولیت مشترک دارید و فردا هم مسئولیت دارید و این به مصلحت کشور ایران است و باید روی این عمل بشود بطور کلی باید دانست چون موارد اشتباهی است آن موارد اشتباهی را باید تفسیر داد اصولا هر نصب و زده در قانون اساسی ماینویسد با پادشاه است رؤسای بزرگ ادارات

دولتی بوجوب فرمان پادشاه منصوب میشوند اینها هیچکدام ایجاد مسئولیت برای شخص پادشاه نمیکند اینها از نظر احترامی است که ملت ایران و قانون اساسی نسبت بشخص اول مملکت ملحوظ داشته است و باید مراعات بشود مجلس شورای ملی بنا مبارک اعلیحضرت همایونی افتتاح میشود تمام معاکم بنام پادشاه افتتاح میشود از این آقای وزیر دادگستری هم بفرسید احکامی هم که صادر میشود مینویسد بنام مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ولی شاه هیچ در آن احکام مداخله ندارد این جزء اصولی است که باید رعایت بشود پس اگر رئیس دولت، وزیر کشور، وزیر جنک و وزیر مالیه یک عضو رتبه ۹ خودش را میخواهد سرکاری بگذارد فرمان شاه لازم دارد وقتی که بر میبازد سؤال و جواب ندارد این جزء اصول است باید این فرمان را صادر کرد اصل ۴۹ متمم قانون اساسی مینویسد: «صدر فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تویق یا توقیف نماید» این تصریح کرده پس معاوم شد نظر قانونگذار این بوده است که خانواده هائیکه در این مملکت سلطنت میکنند همیشه مورد احترام جامعه ملت ایران باشند و هیچگاه در خصوصیات و اصلاحات بین دستجات مجلس و دولت دخالت نمیکند اما حق برای پادشاه گذاشته شده است آن حق است که وزیر عدلیه ندارد، رئیس دولت ندارد، مجلس ندارد آن حق ارفاق و اشفاق است خواسته اند نشان بدهند که این مقام فقط میتواند منشا خیر شود یک کسی است محکوم باهدام شده است شاه می تواند او را یک درجه تخفیف بدهد، ببخشد سکه همه مردم بآنجا توجه داشته باشند این بزرگترین خدمتی است که قانونگذاران دوره اول برای پادشاه ایران ملحوظ داشته اند و چقدر خوب است که این قانون را نصب العین خاطرشان بکنند و من امیدوار هستم تیره روزهائی که میخواهند بعنوان استفاده یا پستوین دیگر از آن در درگاه بدر بار راه پیدا بکنند و خلاف این را بگویند که هم خیانت پادشاه است و هم خیانت ملت ایران خیانت بجلس است، خیانت بدولت است نباید اینها آنجا راه پیدا بکنند آتهائی را که بد میکنند باید در آن درگاه راه پیدا بکنند (باتما نقلیچ در بار کسی را راه نمیدهد) شما البته وقتی در مدرسه بوده اید، خوب شاید تلمک راهم خوانده باشید این کتاب را فتلون معلم بسر لوثی چهاردم ولیمهد فرانسه نوشته است برای چه نوشته است برای اینکه آنقدر درباری متملق در آنجا پیدا میشد که گواه حرف زدن را برای اشخاص نمیکذاشتند این کتاب را مینویسد و یک آدم خیالی بجای ولیمهد فرانسه بنام تلمک درست کرده است و در یک موردی میگوید: آه!! چقدر بدبختند سلاطینی که محصور و احاطه شده اند بواسطه مردم دنی کاه لیس (باتما نقلیچ، اینطور نیست) در دنیا همیشه لذت در باری معنی خودش را دارد و باضافه ما نمی خواهیم داخل در خصوصیات بشویم (مکی به بین چه دارد میگوید) (باتما نقلیچ من متهمم چه میگوید شما اشاره سرتان نمیشود) در این قسمت خوشبختانه آقای حکیمی از کسانی هستند که از رزهای اول مشروطیت در ایران بوده اند و حالا هم

گذر يك مرحله تكامل هستند من اميدوار هستم كه اين موضوع را نصب العین خاطرشان بكنند و ساير آقايمان وزراء هم بدانند بطور كلي آنچه در اين قانون از نظر حقوق شخص پادشاه نوشته شده است مانع الجمع است با اختيارات دولت يعنى آنچه كه عمل ميشود بايستی دولت بكنند اگر اين آقايمان يزدان پناه آرزوی در مرحله ای در فارس ، در کرمان ، در آذربايجان امری دادند اقدامی کردند مسئولان ایشان هستند البته وقتی كه دستور میدهند باید بگویند فرمان میدهم بنام اهلیحضرت همایونی اما ایشان در مقابل مجلس مسئولند آقای رئیس الوزراء هم همینطور آقای وزیر مالبهم همینطور البته همه همینطور همه آقايمان وزراء بدانند من كه اسامشان را نمی برم همه در حكم واحدند و بنده خيال ميكند كه وظیفه دار هستم و تمام شاهما قسم خوردید حالا بعضیها ممكن هست بگویند كه ما قسمان راز و درت خوردیم يك قسمی داشتیم من قسمی نداشتم من اين قسم را كه خوردم مادام كه حقوق مجلس و مجلسيان مطابق اين قانون محفوظ است نسبت بيادشاه عادل متبوع مقم خود صديق و راستگو باشم و هیچ فكري جز مصالح و منافع و فوائد دولت و ملت ايران نداشته باشم ، مجبورم بگویم كه ما وظیفه داریم و به قسم خود باید عمل كنیم و غیر از اینها هم نسبت بيادشاه خیانت میدام ، نسبت به مجلس هم خیانت میدام ، و این قانون اساسی تا وقتی كه هست باید محترم شمرده شود و بان وفادار باشم. آقايمان نمایندگان اگر تئیرری باید داده شود قانون گذاران مجلس مؤسسان بروند و تغییرش بدهند و تا موقعی كه تغییر نكرده میبایستی این را تبعیت بكنیم و هر كس كه تبعیت نكردم اگر فرصت پیدا شد مطابق صریح قانون آوزانش ميكند (صحيح است . (خنده نمایندگان) (كشاورز صدر - طبق چه مادهای ؟) کسانی كه اقدام بر علیه حكومت ملی و قانون اساسی ميكندند - مثلا مینویسد اعلان جنگ و عقد صلح با شخص پادشاه است يعنى در يك وقتی كه هیئت دولت تصمیم میگردد كه در يك موقعی اعلان جنگ بدهد مرض پادشاه میرساند و اهلیحضرت همایونی هم تشریف میآورند به مجلس و ميگویند كه ما مقتضی دانستیم كه جنگ بكنیم و یا ترك جنگ بكنیم معنائش این نیست كه يك روز صبح شما بلند شوید و به بیند كه اعلان جنگ دادند و جنگ را تصمیم گرفتند اینها همه روشن است و همه میدانند. اما در موضوع مخالفت بنده با دولت آقای حكیمی نسبت به سیاست خارجی بنده بر خلاف آنچه كه در این جا در مقدمه برنامه دولت نوشته شده است : ولی بنده خودداری هر ایرانی وطن پرست را با اوضاع بفرنج كنونی از خدمتگداری صادقانه به مملكت جایز نمیدانم ... الی آخر . آقايمان نمایندگان بنده اوضاع دنیا را بسیار آشفته میدانم اما بر خلاف نظر دولت جناب آقای حكیمی این اوضاع را بضرر کشور ایران نمیدانم بنده عقیده دارم یکی از بهترین موقعی كه ممكن است ملت ایران از نظر سیاست خارجی (صحيح است) بدست بیاورد همین موقع (صحيح است) ممكنست كه آقايمان از من بپرسند با اینکه همه از این آشفته گيها مستعززند چرا این روزها را از ایام خوش تاریخ ایران بدانیم همگان من میدانند موقعیت جغرافیائی ایران تغییر

پذیر نیست تا كره زمین از عصر چهارم به پنجم نرود یا یکی از غل آسمانی در بلندیا و فرورفتگیها تغییر ندهد یا اقیانوسی را بدل بقاره جدید یا قاره جدیدی را بصورت دیگری در نیاورد این فلات كه ما از لحاظ تقسیمات سیاسی مالك اعظم از آن هستیم در همین جا كه مقام دارد خواهد داشت همسایگان امروز ما هم نسبت با ایران همان وضعیتی را داوود كه در ۲۰۰۰ سال قبل امپراطوری ایران قدیم و امپراتوری رم نسبت به ارمنستان داشت یعنی دو ملتی قوی در شمال و جنوب ما باید دیگر رقابت و مبارزه می كنند كه ناصح ما و افسانه های تاریخی ، و ادبیات كهن ما نمیتواند صرفاً آنها را از جنگهای حیاتی كه در سر آقائی دنیا دارنده منصرف سازد ارشیدس ریاضی دان و طبیعی دان معروف میگفت نقطه اتكائی اگر در خارج زمین بدست آورم با اهرمی زمین را حرکت میدهم ، ما هم از این حیث كه زور نداریم و توانائی نداریم همه ارشیدس هستیم (خنده ممتد نمایندگان) یعنی نمی توانیم مملكت خودمان را حرکت بدهیم و جای دیگر ببریم و آنها را هم ما نمی توانیم از همسایگی خودمان با نیروی خویش دور كنیم این ایام بعد از جنگ اخیر جهانی ، حریف مجلس ما كه خود همیشه دل میرد پیرایه ای هم بر او بسته شد یعنی ممالك متحده امریكای شمالی از نظر منافع ملت خود چنین تشخیص داد كه نقاب سیاست مونروئه را بیک سر نهاده آقائی خود را در جهان با اصولی كه همه میدانید و میبینید پیشهاد و اگر موفق شد تحمیل نماید این سه دولت خواه و ناخواه تشخیص دادند كه بزرگ هستند و مشر هم بپردازند آنها نمیخورد بزرگی سراسر بگفتار نیست بگوش آنها فرو نمیرود و ميگویند ما بزرگیم و خواه و ناخواه حق داریم دنیا را رهبری كنیم افسانه جامعه ملل در جنگ قبل و مجمع ملل متعده هم نزد همه ما روشن است كه چیست ، همه میدانند آنچه این دولتها در این مجامع طرح كینماید اگر اتفاق كند دیگران باید سر تسلیم فرود آورند و در صورت اختلاف باز نتیجه بفرع یکی از این سه بزرگ خواهد بود پس دیگران كوشش بیجا دارند و اگر مردمی فرض كنند كه این سه دولت بزرگ منافع حیاتی خود را برای خاطر دیگر ملل گیتی كه اجباراً كوچك باید نامیده شوند . فدا كنند اشتباه بزرگی كردند حال كه این مقدمه را دانستیم و میدانیم موقعیت جغرافیائی ایران تغییر پذیر نیست و این همسایگان هم تا تغییر در وضع سیاسی جهان بیدار نشود همسایه ما خواهند بود پس باین نتیجه میرسیم كه بهترین وضعیت برای ما ، همین وضع كنونی است كه این سه بزرگ با يكدیگر اختلاف نظر دارند (صحيح است) زیرا اتفاق آنها همیشه برای حفظ منافع است و معلوم است اگر آنها بانفاق تصمیمی بر علیه ما بگیرند ما چه وضعی خواهیم داشت (اقبال صحيح است) باین توضیح مختصر ... (كشاورز صدر - دولتها بر علیه دولتهای كوچك چنین تصمیمی نمیگیرند) باین توضیح مختصر امروز روز خوب ما است و ما در بهترین موقع سیاسی خود هستیم و زمامداری لازم داریم كه از این بساط برفع کشور ایران در

روز مبرسم حرمم را مینم هر كس هم كه اوقاتش تلخ میشود بشود یا دیر بازود بمواقف وخیم آن دچار می شوم من همسایگان خود می گویم و ثابت می كنم كه صلاح آنهاست كه برای میدان رقابت ایران را انتخاب نماینده این عقیده خودم است ، دلم میخواهد اتحاد جماهیر شوروی ، انگلستان و امریكا این را بپذیرند و ایران را میدان رقابت خود قرار ندهند و جای دیگر را انتخاب كنند (صحيح است) چنانچه در یکی از گفتارهای خود شرح دادم جنگ آینده كه گریبان گیتی را خواهد رفت آنچه فهمیده میشود بین اتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحده امریكا است و از این سه دولت بزرگ دولت خود است كه برای اداره جهان خود را مهیا ميكند و دواصول سرمایه داری و سوسیالیسم با هم مواجه می شوند (محمد علی مسعودی - هر کدام زود تر برسند ایران را می خورند) و هر يك از این دو دولت كه فایز آینه ببقیده من با فكر كوچك من برای امپراطوری انگلستان خطرناك است زیرا اتحاد جماهیر شوروی اگر در دنیا فاتح شد اصول سرمایه داری را از میان می برد و امریكا هم پس از آنكه شوروی را شكست داد آقائی خود را با انگلستان تقسیم نخواهد كرد (محمد علی مسعودی - درس سیاست كه نباید در اینجا داده شود) این جا مجلس شورای ملی است ، این جا خانه من است (محمد علی مسعودی - آقا ما ایرانی هستیم راجع بخانه ما صحبت كنید) (گلبادی - هیچ سیاستی در دنیا مستقل وجود ندارد اقا اجازه بدهید كه بگویند راست ميگویند آقا) هر گاه مجلس مقتضی ندانست كه در مسائل سیاسی صحبت بشود رای بگیرند و بنده را ممنوع بدارند بنده حرفی ندارم . حالا چرا اینطور استدلال كردم . در جنگ اول انگلستان فاتح حقیقی دنیا شد قسمتی از مستعمرات آلمان را هم در افریقا گرفت در اقیانوس كیبر جزایری را تصرف كرد پایگاههایی را تصرف كرد ولی در جنگ دوم پایگاه های دریائی بزرگی را با امریكا برای ۹۹ سال واگذار كرد و تسلط بر اقیانوسها تسلیم ممالك متحده امریكای شمالی شد طبق قرارداد ۱۹۲۲ بازار چین بین سه دولت تقسیم شده بود یعنی ۴۱۸ میلیون مردم چین زحمت ميكشید و حاصل آنرا نه دولت میرد امروز در بست متعلق بممالك متحده امریكای شمالی است امپراطوری زاین در هم فرو ریخت و در اقیانوس ساكن فرورفت و امروز كاملا در دست ممالك متحده امریكا است دریاها در جنگ اول در دست انگلستان بود و انگلستان را ميكفتند سه بار سیدالبحر و البیر بود ولی بیشتر آقائی دریاها بود و هیچ دریائی وارد نمی شدیم مگر اینکه كید دارا دولت انگلیس بود شما از دریای شمال حرکت ميكردید میرسیدید بجزیل الطارق و كیله دارا انگلیس اگر راه نیداد نمیتوانستید عبور كنید چون بدیترانه وارد میشدید بایستی از كانال سوئز عبور كنید كانال سوئز در دست او بود از كانال سوئز و باب المندب تا بحر احمر دست او بوده و همینطور از این دریاها كه میرفتید بایستی بشما احب دریاها اجازه میدادند در سال ۱۹۲۳ قرارداد بحری در لندن تنظیم شد كه ممالك متحده امریكای شمالی كه ناآزمان ۳۰ پنجم سهم داشت آنهم در يك قسمتی از دریاها و اقیانوسها بود حق تساوی گرفت در

خانه این جنگ مجموع ظرفیت كشتیهای تمام ممالك عالم كه انگلستان جز او است بیای بحریه امریكا نرسید یعنی كدریاها تفویض آقای جدید شد اینها مطالبی است كه در مجلس باید گفته شود اینجا كار - خانه نیست اینها باید گفته شود عرض كنم با این طریق من عقیده دارم اگر جنگی در آینده پیش آید انگلستان خواه و ناخواه وضعیت آسبائی كیبر را پیدا میکند و قرن هیجدهم یعنی میرود جزه ممالك درجه دوم از این نظر از امپراطوری انگلستان بنام يك نفر ایرانی میخواهم تقاضا كنم و امیدوارم كه ساير آقايمان هم با من همراه باشند و موافقت بكنند و همه ما شوند كه موارد اختلافات را جای دیگر ببرید و ایران را میدان رقابت فرار ندهید (صحيح است) اینجا مملكتی است از خشت و گل كه از خشت و گل ساخته شده است آلمان چندین میلیون تن برب بر روی آن ریخته شد انگلستان هم زبان فراوانی دید فرانسه و ساير ممالك دچار ضررهای فراوان شدند اما اگر ۲۰ سال آرامش در آنجا باشد از روز اول بهتر خواهد بود اما اگر در این مملكت يك دیوار گلی خراب شد با این دولت هائی كه دیدیم دیگر این دیوار ساخته نمیشود این حرف آقای مسعودی مال مجلس است مال خانه ملت (محمد علی مسعودی - به سیاست خارجی را بفرمائید چیست ؟ ما میخواهیم بفهمیم و روشن شویم) تأمل بكنید روزنامه اطلاعات سیاست خارجی معلوم است (محمد علی مسعودی - حرف من مال روزنامه اطلاعات نیست عرض كنم روزنامه اطلاعات وظیفه ملی خودش را انجام میدهد. توضیح بدهید سیاست خارجی كه دارید چیست كه ما هم بفهمیم) آخر شما يك قدری تأمل كنید شما حوصله ندارید بنده كه دارم عرض ميكند (محمد علی مسعودی - آخر شما دارید راجع بروسیه و امریكا كه مربوط بمانیست صحبت ميكند) با آقايمان نمایندگان دولت ایران امروز در این محل مقدس به همگی تذكر میدهم و مطلب را روشن ميكند همه بشنوند و از حسن نیت ما و سادگی و صداقت ما متنون باشند با ارفاق دوستانه كنند و بگذارند ما در چهار دیواری کشور خود زندگانی كنیم آقايمان نمایندگان بن میخندند آقای مسعودی گریه باید كرد برای این وضعیتی كه ما اینجا داریم آقا جان بنده شما هر كدام يك چندان بسته داریم من از يك طرف آقای مسعودی و شما از يك طرف ميروید این مردم بدبخت در این مملكت چكار بكنند چرا نيكگذارید كه آدم مطالب خودش را بگویند (محمد علی مسعودی - بگویند هر چه میخواهید بگویند شهادت ندارید كه هر چه دارید بگویند) كاش همه مثل من بودند و شهادت میداشتند . خوب با این مقدمات اینطور نتیجه ميگیریم موقعیت ایران را كنتم تغییر پذیر نیست وضعیت دنیا راهم كم و بیش برای اطلاع آقای مسعودی بیان كردم حاله ميرویم سر مطلب دیگر تمام خبر گذارها چنین خبر دادند - چون حدود اطلاعات ملت ایران كه مانعهای آن هستیم (صحيح است) و دولت ما با هم وسائلی كه دارد نمیتواند اطلاعاتی از نمایندگان خودش در خارج بگیرد مطالب خودش را هم در تهران با سفرای دول خارجه حل ميكند یعنی

نماینده های مادر خارج از جریان امور كه در تهران ميگذرد استحضاری ندارند و همین آقای تقی زاده كه سفیر در انگلستان بودند كافی نوشند آن كافتشان هست شكایت ميكند از وزیر دربار وقت ، از دولت وقت كه آقايمان كارها را كه شما ميكند بین هم اصلاح بدهید بنده هم آخر سفیر كیبر شما هستم و وزیر مختار معمولاً مامورین ما در خارجه كاری انجام نمیدهند مطالب اینجا حل ميشود پس ما اطلاعاتمان در همین حدود است روی همین اطلاعات كه يك قسمش هم در روزنامه اطلاعات چند روز پیش نوشته شده بود ميگویم آقايمان نمایندگان وزیر خارجه همین امریكای غظیم الشان كه دنیا را باین صورت تسخیر كرده است و در قسمت اقتصادی الان پنجاه هایش راد قسمت اعظم عالم فرو کرده و قواي نظامی و وسائل استحضافی او در درجه اول است و وزیر خارجه اش در ستای امریكای كیبر من از برای امنیت امریكا نگران هستم و ساير سیاستمداران این کشور هم در این نگرانی شركت دارند آقايمان البته اینجا كلاس درس جغرافیا نیست ولی ناگزیر چند كلمه باید گفته شود ممالك متحده امریكای شمالی خودش را حامی امریكای لاتین می داند یعنی خود را همدار حفاظت تمام قاره امریكا می شناسد تمام قاره امریكا با آنها هم يك قرارداد هائی دارد این قاره بزرگ این نیمكره غربی از چهار اقیانوس احاطه شده اقیانوس كیبر ، اقیانوس اطلس ، و دو اقیانوس صعب العبور منجمد شمالی و جنوبی آقايمان . این امریكا فریاد ميكند ميگویند نگران هستم از امنیت خودم نگرانم - آقايمان از بنده نگرانی ندارند از شما نگرانی از كی نگرانی دارد ؟ از اتحاد جماهیر شوروی نگرانی دارد . ما بطریق اولی با داشتن ۲۷۰۰ كيلو متر كه دیوار بدیوار این کشور عظیم هستیم باید نگرانی داشته باشیم ما مسئولیت داریم در مقابل نسل حاضر و نسل آینده این مملكت . ما باید اثبات كنیم كه بر روی اصل پایه استقلال سیاسی و اقتصادی ایران تمام فكر ما جمع هست كه هر قسم كه صورت و تیرگی را مرتفع كنیم اول فكري كه هر ایرانی دارد اینست كه بایستی آزاد بدنیا آمده آزاد زندگی بكنند و آزاد از دنیا بروند . هر دولتی هر قدر قوی باشد حق ندارد خودش را با تحمیل بكنند این فكر اولیه ما است از این مرحله كه گذشتیم ما باید حتماً بر روی این اصل سیاسی و اقتصادی استقلال ایران به تمام سوه تفاهات خانه داده تیرگی روابط خودمان را با اتحاد جماهیر شوروی مرتفع بكنیم ما نباید اینجا به نشینیم و روزها را شب نمانیم ایام را به بطالات بگذرانیم بعد يكروز به بینم يك سیلی باید ما را بیوشاند (محمد علی مسعودی - آخر بفرمائید امریكا كاری نكرده است) (اسلامی - بگویند آقا ما چكار کرده ایم چرا در مرجع رسمی این حرفها را مینماید ما چه گناهی کرده ایم دو این مملكت ؟) (همه شديده نمایندگان - زنك منته رئیس) هر وقت حرفها بتان تمام شد بنده هرايضما ميكنم اینها تمام مقدمات است بنده منتظرم هر وقت آقای رئیس نظم مجلس را برقرار فرمودند هرايضم را بكنم (بعضی از نمایندگان بفرمائید) در يك كلمه اینجا گفته شد و باز هم تکرار ميشود باید اول

فکره ایرانی حفظ استقلال و سادگی ایران (صحیح است) بر روی پایه سعادت ایران گویان را باز بکنید بروی پایه اصل استقلال سیاسی و اقتصادی ایران ما باید تمام سوء تفاهات موجوده را با اتحاد جماهیر شوروی مرتفع کنیم (صحیح است صحیح است) (معد علی مسمودی - ما سوء تفاهمی نمی بینیم شما یک کلمه از این ها را بگوئید حرف ما این است مامی گوئیم طلب داریم بدهید نمیدهند این ملت ضعیف بدبخت ماله اش را میباید و می برند و آنوقت بهش میدهند) چرا ما دچار این مزاحمت هستیم این دو کشور انگلستان و شوروی با یکدیگر رقابت دارند. دو همسایه قوی که در دو طرف کشور ما هستند باید علاقه کاری نمود که میدان رقابت آنها در ایران نباشد. بنده خیلی میل داشتم که آقای تقی زاده تشریف میداشتند و عرضم را می شنیدند. بیشتر علت گرفتاریهایی که ما داریم اینست که در ۱۹۰۷ قرار دادی بهین نام در شهر روال بین اهل حضرت زور ز پنج پادشاه سابق انگلستان و امپراطور روسیه نیکلای دوم منعقد شد این قرارداد موادی داشت که در یک قسمت راجع بایران بود و در ایران مناطق نفوذی تعیین نموده بودند و از طرف دولتهای وقت که گاهی خود آقای حکیمی هم در آن بودند هیچوقت این قرارداد از طرف دولت ایران برسمیت شناخته نشد (صحیح است صحیح است) در جواب مراسله وزرای مختار دولتین مکتوبی از مشیرالدوله موجود است که مینویسد قراردادی نابین دو دولت یا چند دولت راجع بدولت نالت باشد از درجه اعتبار ساقط است و هیچ الزام آور برای آن دولت نیست (صحیح است) دولت ایران ملت ایران بوهیت الهی دارای استقلال کامل و طرفدار سیاست درهای باز است و استقلال طبیعی و سیاسی خودش را داراست این مراسله الان موجود است و بنده بیخود نیگویم اما شناختن ما باین صلیبات مانع آن دو دولت نشد یعنی در همین طهران کمیونیتی مختلط معروف به کبیسون میکست تشکیل دادند آقای منصور السلطنه هم اطلاع دارند این کبیسون در آنوقت تشکیل شد رئیس داشت، عضو داشت و این کبیسون مداخلاتی در کلیه امور میکرد یعنی مطالبی را که آنها میگفتند آن مطالب را غیر مستقیم میشنید مرحوم مشیرالدوله بقدری دقیق بود در این امر که هیچگاه در زمان او تمکین باین امر نشد (معد علی مسمودی - نامشبان را بهم بگوئید) هر موقع که لازم بود بهم در خارج صحبت میکنیم هر چه لازم باشد میگویم اینجامن هر چه را میخواهم میگویم و هر چه مجلس میرسانم انگلستان تا ۱۹۱۷ که هنوز طلبه انقلاب اتحاد جماهیر شوروی پیدا نشده بود با اتفاق دولت روسیه این صل را میکرد بعد از آنکه دولت شوروی به وجود آمد تمام امتیازات خودش را در ایران لغو کرد و بایران واگذار کرد و ملت ایران هم همیشه برای این عملی که از طرف اتحاد جماهیر شوروی بوجود آمد ممنون است (صحیح است) بظاهر دارم که مجلسی از طرف رئیس الوزرای وقت منعقد شد و همین آقای حکیم الملک هم آنجا بودند که برای قرار دادی که با دولت شوروی بسته میشد حضور پیدا بکنند اما انگلستان متأسفانه میل نکرد قراردادهای خارج الملکتی راه کاپیتولاسیون که با ما داشت آنها را لغو بکنند کاپیتولاسیون

تا مدت ها ماند و دولت های مامم زیر بار نرفتند و حق هم با آنها بود از برای اینکه کاپیتولاسیون بر اصل مراسله استوار بود که میرزا آقا خان نوری صدراعظم در تاریخ ۱۸۰۷ بدولت انگلستان نوشته بود سر مایه قرارداد ترکمن چای کلیه قرارداد خارج الملکتی را ما با دیگران منعقد کرده بودیم چون قرارداد ترکمن چای لغو شد طبیعی است که ما دیگر قرارداد خارج الملکتی با کسی نمیتوانستیم داشته باشیم. بالاخره تمام این قرار داد ها از بین رفت اما صلح بود در جنوب ایران از طرف دولت انگلیس قوای تشکیل داده شد بنام پلیس جنوب در غرب ایران هم قوای بوجود آمده بود بنام پلیس غرب خوب بظاهر دارم رئیس پلیس جنوب آمدن به تهران در روزیکه از طرف پادشاه وقت سلطان احمد شاه سلامی منعقد بود مشیرالدوله رئیس الوزراه بود رئیس پلیس جنوب هم با اتفاق هیئت دیپلماتیک آمد آنجا که معرفی شود هیئت دولت در یک موقع بسیار ناراحتی واقع شد خوب دولت ایران هم کزوری نداشت ژنرال ساکس آمده بود و میخواست بیاید و حضور شاه معرفی شود یعنی هملا مایلیس جنوب را برسمیت بشناسیم. این آقایان یک چیزی بظاهرشان رسید رئیس الوزرای وقت فرستادند عقب ژنرال ساکس که بیاید رئیس الوزراه شما را کار دارد و قتیکه توی اطاق رفت رئیس الوزراه دو آنجا نبود قبلا دستور داده شده بود در اطاق را از بیرون بستند سلام هم شروع شد ژنرال توی اطاق نشسته بود خواست بیرون بیاید دربسته بود و هر چه در زد کسی نشنید و سلام هم تمام شد بعد از یکساعت که رفتند باغبان آمد دید یک کسی در میزند در را باز کرد گفت و سئوال کرد کجاست و چه میکنم معلوم شد رئیس پلیس جنوب است گفت شما اینجا چکار میکنید اینطرف و آنطرف رفتند و آن باغبان را منقصل کردند که چرا دوباره اقل کرده بودی با چنین مشقتی دولت وقت از رسمیت شناختن پلیس جنوب فراموشد بهر حال ما قرارداد ۱۹۰۷ را شناختیم ولی آنها هم دست از رقابت های خودشان در ایران بر نداشتند بهین دلیل در اولین موقعی که اتحاد جماهیر شوروی باینصورت بوجود آمد و قوای مخالف او در داخله روسیه درهم شکست این وضعیت در ایران تغییر کرد یعنی قوای انگلیس که ایران را اشغال کرده بودند و خارج نمیشدند تمام سرحدات شمالی ما را تصرف داشتند این آقای سیهید بزدان پناه که اینجا تشریف دارند در آنوقت در صفحات شمال بودند بخوبی مستحضرند آنجا را تغلب کردند و رفتند ما باید موازنه را بمعنای حقیقی عمل کنیم در این مجلس تصیمی گرفته شد که البته من میخواهم بگویم که نمایندگان ملت از روی صمیمیت خاطر عمل نکردند اشتباه کردند یادوست بود ولی اینطور تشخیص دادند یک چیزی را اصلاح ایران آمدند اینجا یک مقاله نامه ای بود آنرا لغو کردند رد کردند گفتند صحیح نبود بالاخره گفتند دولت این حق را نداشته است بنده در آنوقت پیشنهادهایی دادم که خیال میکنم اگر آن پیشنهادهای من در آن ضمیمه شده بود چندین میلیون لیره در سال و مجمع الجزایر بحرین تا این دقیقه تکلیفش معلوم شده بود و بایران باز گشته بود و اگر بیکروری پیش آمد کرد و بررسی شد معلوم خواهد شد که من

حق داشتم این حقوق مسروقه را مامی توانستیم پس بگیریم و بر میگرددندیم حالا ما چه باید بکنیم که اصول موازنه محفوظ بماند اصولا ما همانطور که گفتیم از امپراطوری بریتانیا همسایه سیاسی خودمان تقاضا میکنیم و ملت ایران باین تقاضا شریک است روشی و سیاستی را که در ربع قرن اخیر در ایران اعمال کردند تجدید نظر کند چرا آقای مسمودی شاید شما موافقت کنید که ادامه بدهند (معد علی مسمودی مرض کنم شما موافقت کنید و شما هستید که این کار را میکنید من مثل یک ایرانی فکر میکنم (رئیس - بین الانتین صحبت نکنید) (معد علی مسمودی - وقتی خطاب بکنند بنده جواب میدهم) آقای اتنونی اینش یکسی از سیاستمداران بزرگ معروف انگلستان هستند که در چند روز قبیل هم بطهران آمدند من بسیار این شخص محترم را تعجب میکنم که بعد من از نظر ایران دوستی است و علاقه ای که باین کشور دارم و این مرد شاید بعد از ۲۰ سال ۲۵ سال که در سیاست مستقیم و در تماس با ایران بود ادعای و اعتراف کرد که ما در یک ربع قرن اخیر سیاستی را در ایران اعمال کردیم که جز تنفر و از جا ر حاصلی نداشت (صحیح است) حالا او اینطور گفت و من می بینم صحیح است ها کم است (فرامرزی - کلاما صحیح است تجاوز یکی دیگر هم کلاما صحیح نیست این حق تجاوز دارد و نه آن) (آشتیانی زاده - شما چرا آقای فرامرزی وقتی اسم آقای این را میبرند عصبانی میشوید شما چرا از طرف ایند دفاع میکنید مگر شما با این نسبتی دارید!) (معد علی مسمودی - ایشان دفاع نکردند) بسیار این مرد دیپلمات، این مرد بزرگ سیاسی انگلستان تذکر خوبی بدولت انگلیس داد متأسفانه دولت کارگری انگلستان بوسیله گوینده سیاسی خودش آقای بوین وزیر خارجه نه تنها این نظر مرا نپذیرفت بلکه گفت سیاست خارجی ما در خاور میانه همچنان ادامه دارد و تغییر پذیر نیست من تمام ملت ایران بیاس استقلال سیاسی و اقتصادی که بوجه اتم و اکمال ملت ایران دارد و از مواهبی است که من خیال میکنم هیچ دستی نمی تواند او را از ما بگیرد (فرامرزی - پس قضیه آذربایجان حرف بود!) این قضایا که مربوط بملت ایران است من نمی دانم و کلای جنوب را چرا عصبانی میکنید (فرامرزی - هر دویش را بگوئید چرا نمی گوئید!) (اسلامی - من میروم تا اعلام بکنم که مردم بدانند ایشان دارد همه را گول میزند) من یقین دارم هیچ ایرانی باک نژادی از سیاست ربع قرن اخیر انگلیس نمی تواند با زدها وزیر خارجه آن دولت تعجب کند (صحیح است - صحیح است) (همه نمایندگان) (کشاورز صدر - بفرمائید آقای اسکندری) (رئیس - این اجازه را من باید بدهم شما حق حرف زدن ندارید ساکت باشید. بگوئید خنده نمایندگان) و همچنین وقتی مستر بوین وزیر خارجه حاضر انگلیس میگویی سیاست خارجی خود را در خاور میانه تغییر نمیدهم و ادامه دارد جز اینکه سیاست انگلستان بد بین باشیم چاره ای نداریم انگلستان باید در سیاست خود نسبت بایران تجدید نظر کند ما بسیار ممالک خاور میانه کلای نداریم با اینکه هر قسم پیش آمد ناگوارای در صحنه ایران که ملت ایران را بدبخت، تباہ و شاید

ورشکست نماید موافق سیاسی آن برای امپراطوری بریتانیا در ایران و خود ملت ایران بد عاقبت خواهد بود من دل سوژی برای انگلستان نمیکم من دلم میخواهد که این کشور آسوده و راحت و مردمش در زیر این دیوارهای گلی راحت زندگی کنند (باتمانقلیج) این آرزوی تمام ایرانی ها است (صلاح ایران در آرامش کامل و حفظ تعادل و موازنه است و بهتر است که انگلستان از نظر سیاسی دان معروف خود در تفسیر سیاست خود در ایران پیروی کند و اول شرط تفسیر آن باید از نفت جنوب و عدم مداخله در جزایر بحرین شروع شود اینجاست که بنده با سیاست آقای حکیمی در قسمت خارجی موافقت ندارم. چرا؟ با این توضیح مختصر همه تصدیق خواهند نمود که حق با من است دولت آقای قوام السلطنه سقوط کرد؟ چرا سقوط کرد؟ چندین موضوع بود در این کشور که مورد نا رضایتی از حکومت آقای قوام السلطنه بود من خودم یک مخالفتهای داشتم در همین مجلس شدیداً مخالفت خودم را گفتم و ورقه کبود را هم دادم اما این مجلس ۹۴ رأی موافق داد یعنی مجلس قبول کرد که همینطور که بوده صحیح است مذاکراتی در اینجا میشد که سوء استفاده هائی شده و پولهائی گرفته شده است. جوابهایی داده میشد اما این ها دلیل سقوط حکومت ایشان نبود (دکتر مظنی - چرا) اجازه بفرمائید (معد علی مسمودی - خودشان هم اعتراف کردند) از برای اینکه کسانی که شرکت داشته و رأی ندادند بحکومت آقای قوام السلطنه اینها خودشان در حزب دمکرات ایران شرکت داشتند. در مدت یکسال بتوالی همه میدانند که املاک شخصی خودشان را فروخته بودند که برای حزب یک اندوخته ای بگذارند (معد علی مسمودی - وهی اعتراض میکردند) الان هم نه تنها اعتراض نمی کنند عقب ارتش میروند میگویند پولهائی کو؟ (خنده منت نمایندگان) (معد علی مسمودی - ۲۴ میلیون تومان بدادستان نوشندت بفق خزانه دولت گرفته شود) (منتعمد داموندی - آقای اسکندری از آنها چیزی گیرشان نمی آید شما صحت خودتان را بکنید) بنده خیال میکنم خنده دار است اگر بگوئیم گرفتن پول، دادن جواز، مدیه یا هر چه بود بد ولی پولش خوب است؟ بش پولش را برای چه میخواهند این پول حرام اندر حرام اندر حرام است. (معد علی مسمودی - این پولها رشوه بوده و باید بفق خزانه دولت ضبط شود و اعلام جرم هم شده است. و آقای قوام السلطنه پشت تریبون آمدند گفتند) همه میدانند که من جزو حزب دمکرات نبودم و شرکت نداشتم و اگر خبری باشد یا نباشد متوجه من نیست من یکی از موارد اختلافی که داشتم و تذکر میدادم اما آن آقایانی بودند که دو نفر سه نفر پنج نفر باهم در یک امری شرکت دارند بعد اختلافی در تقسیم حاصل شود یک قسمت دیگر میروند خودشانرا حق بجانب میکنند دو هیچ محکمه مورد قبول نیست (معد علی مسمودی - شما آنها نبودید بنده اعتراض کردم در حضور آقای قوام السلطنه) (باتمانقلیج - آقا

از موضوع خارج نشوید) پس این موضوع و این اختلافات هم موجب سقوط حکومت نبود خواهد گفت پس علت چه بود؟ علت حقیقی و موجب سقوط حکومت قوام السلطنه اعلامیه ای بود که در این اعلامیه از نظر حفظ موازنه در تأیید نظرم و قبول پیشنهاد من که در موقع مخالفتی که با دولت آقای قوام السلطنه در موقع طرح برنامه کرده بودم (اقبال - اینطور نبود) در اعلامیه ای که اینجا موجود است در این اعلامیه تصریح میکنم که اوچه میخواهد بکنند من آنقسمت از اعلامیه را میخوانم. «ما در عین حال که با کلیه دول و ملل عالم دوستی صادقانه داریم و حقوق مشروع ممالک بزرگ و کوچک را در داخل کشور محط احترام میگذاریم میل داریم که دیگران هم بحقوق ما احترام بگذارند و این آرزوی منی تحقق مییابد که ما خودمان مصمم بحفظ حقوق خویش باشیم و مسائل که بایم مملکت و استقلال و آزادی ایران پیش میآید متعهد القول بوده و کوچکترین توصیه ای از هیچیک از ملل و دول عالم قبول نمیکنیم زیرا هیچکس باندازه ما دلش بحال مملکت ما نمیسوزد آقایان چه ضرر دارد که ما مطالب خود را ساده تر و صریحتر بگوئیم چرا ما در افکار و گفتار خود آزاد نباشیم و چرا حقوق از دست رفته خود را مطالبه نکنیم من در عین حال که رأی مجلس را در باب موافقت نامه نفت شمال بدولت شوروی ابلاغ کردم موضوع امتیاز نفت ایران و انگلیس را نیز تعقیب نمودم و آنقدر با فشاری خواهم کرد تا استرضای خاطر ملت ایران را تحصیل کنم اوقاتان تلخ نشود بلازمه موقع رافتمنتم شمرده آنچه را ملک طلق ایران میدانم و نمیتوانم از حاکمیت خودمان صرف نظر کنم و موضوعی که چپوخت از خارهای مامجو نشده و نخواهد شد موضوع بحرین است که باید هر چه زودتر این عضو گرانهارا به بدن ایران عزیز اتصال دهم و تسلیم آغوش مادر وطن نهانیم من در این باب مشغول مذاکره و اقدام هستم و با تمام قوا کوشش خواهم نمود که این حق مسلم ایران را علناً و رسماً بایران برگردانیم بنظر من علت حقیقی سقوط قوام السلطنه این دو موضوع بود لاغیر (فرامرزی ششورقه کبود دادید) بعد از این اعلامیه حکومت ساقط شد حالا همین دلیل بود یا نبود کاری نداریم بنده می بینم جناب آقای حکیمی باتمام تجارشان با عنوان حفظ سیاست موازنه دوتا سرپوش طلاو نقره برداشته و آهسته در روی نفت جنوب و بحرین گذاشتند و حتی یک کلمه هم در برنامه خودشان نگفتند سرپوش روی موضوع این گذاشتند و گذاشتند (کشاورز صدر - نه آقا مطابق قانون تعقیب میکنید) (صحیح است) آقایان حتماً باید این موضوع مورد تعقیب قرار گیرد و هر دولتی که دولت آقای حکیمی چه دولتهای بعد که بیایند اگر این موضوع جز برنامه شان نباشد من یک ورقه کبود بیشتر ندارم و میدهم بنده اینجا برای اطلاع آقایان عرض می کنم البته آقایان نمایندگان خوب تمام ساهی هستند (فرامرزی - تمام وطنپرست هستند) تمام وطنپرست هستند تمام علاقمند هستند که برای کشور قدم بردارند برای سلامت و سعادت ایران اقدام میکنند اما حالا اهالی بحرین به بنده اظهار توجه نمودند این کاغذها را برای بنده فرستادند تقصیر من نیست اگر باشان مراجعه نمیکند

آنها را که بدیدم خدمت آقایان عکس های تاریخی و اسنادی است که ملاحظه بفرمائید از بحرین برای من فرستاده شده حکومت بحرین بوه امضای یک مستشار انگلیسی است نباید خارجی را برگذارند امضاء بکنند (فرامرزی - صحیح است که ما اینک صحیح است که ما اینک صحیح است که ما اینک باید برگردد) بنده هم همین صحیح را میخواهم غلط بکنم آقایان نمایندگان در کافندیکه برای بنده می نویسند نوشته شده وقتی ما شنیدیم در مجلس ایران و جامعه مجلس شورای ملی تصمیم گرفت «خوشبختانه اینطور نوشته اند (کشاورز صدر - همینطور هم بود) جامعه مجلس شورای ملی تصمیم گرفت که ما برگردیم بایران و این حقوقی که از ما سلب شده است مسترد گردد مستشار انگلیسی مدت ۲۴ سال است که بر ما حکومت می کند در این جا تمام هستی ما، حقوق ما وضع زندگی ما در دست یک نفر خارجی است و بعد هم اگر بیلاتر از او خواستند مراجعه کنند به بیت الدوله یعنی قونسولگری انگلیس مراجعه شود (مکی - هیچ رسمیتی ندارد) بنده هم همین را میخواهم عرض کنم در این جا احکام شدید مستشار انگلیس رفت آور است، دست و پایی یک نفر را در زنجیر می بندند و در آن هوای داغ دو ماهه ماه باید در خیابان ها بدهمات شاقه مشغول باشند. بنده برای کشور ایران و مجلس شورای ملی ایران شایسته میدانم که در این موضوع بیش از این تأمل بشود، من دو طرحی پیشنهاد کرده ام و برای این دو طرح ۱۴ نفر داوطلب میخواهم که بایکی از آن بایستی یک نفر وکیل مستقل برای بحرین در نظر گرفته شود، بحرین صد و هشتاد هزار نفر جمعیت دارد، طبق اصل چهارم قانون اساسی ما می توانیم صد و شصت و دو نفر وکیل داشته باشیم تا در دست نفر هم میتوانیم و این قسمت از جزایر بیشتر از صد هزار جمعیت دارد بالاخص میتوانه یک وکیل داشته امضاء کند. مکی - این طرح را امضاء کرده اند. عباس اسکندری - خوب اگر امضاء کرده اند چه بهتر مبارکست (حاذقی - شما هم بازرس انتخابات آنجا بشوید) اگر این سعادت را پیدا کردیم و آقای بزدان پناه هم برای استقرار نظم در آنجا توفیق یافتند بنده اول در پیشایش همه از برای خواهم رفت و اگر مردم از شر من ششاهای راحت بشوید و اگر هم رسیدم که خوب نتیجه میکنیم بنده امیدواری دارم (بهادری - مکی فرستاد این کاغذ ها را؟) این سسکها و این کاغذ ها راهالی بحرین فرستاده اند و چند روز پیش رسیده است بنده تنها راهی که برای حفظ سیاست موازنه در ایران میدانم سیاست موازنه بنا باید مثبت باشد یا منفی سیاست موازنه مثبت ظاهراً صلاح ایران نیست یعنی من اگر حکومت را تشکیل داده باشم سیاست موازنه مثبت را مقید بحال ایران نمیدانم زیرا شما باید باین بهمهید باز بآن بدهید باز آن یکی میگوید بنهم بنده و هر موقعی که ندادید اول گله است پس سیاست موازنه منفی را من برای ایران صلاح میدانم سیاست موازنه این نیست که یک کفه ترازو روی زمین باشد و دیگری

در آستانه آنوقت بگوئیم ما سیاست مولزانه داریم این را قبول نمیکنیم ما باید صلا نشان بدهیم که کمال رعایت و بیطرفی را می بینیم و استقلال ایران را از نظر سیاسی و اقتصادی ماحوظ میداریم، ماملت و دولت ایران اینطور متضی دانسته و در مین حال هم باید بگوئیم که سیاست موازنه داریم دولت انگلیس حاجت باین نطف دارد نفت قصبه حیاتی است برای او، من و هیچ ایرانی دیگری این حرف را نیزیم که بگوئیم ما بشما نطف نمیدهیم تمام بحریه انگلستان، تمام کارخانجات او با این نفت میبرد مانی توانم نهمیم اما مانی توانم نفتمانرا بفروشم من بصدای بلند میگویم این قرار داد صحیح نیست این تمهید قرار داد درست نیست (فرامرزی - صاحب این کافه چند سال است مرده بشما چطور رسیده؟) راجع به تمهید صحبت میکنم اوقاتان تلخ نشود عرض کنم که امور نظری است البته ممکن است که آقامتضی بدانند و فتوی بدهند و بعد هم یکی بگویند من نظرم اینست بنده میگویم که صلاح کشور ایران اینست که هیچ قسم امتیاز خارج المملکتی نداشته باشد این کمیانی نفت جنوب حد اقل مالک ۱۰ درصد است و بهیچ دولتی امتیاز نباید داده شود این امتیاز و این تمهید صحیح نیست (صحیح است صحیح است) و من خوشبختانه از وجود آقای تقی زاده اینجا استفاده میکنم و امیدوار هستم که ایشان خودشان دامن همت بگریزند و در این کابینه ای که الان در ایران تشکیل شد و تحت نظر ایشان است این کار غلط را تصحیح فرمایند سابق براین برای هر کابینه اسمی میگذاشتند مثلا یک کابینه اسمش کابینه «میم» بود در این کابینه مشیرالدوله مستشارالدوله ممتازالملک، محتشم السلطنه مستوفی الممالک، مؤتمن الملک ممتازالدوله شرکت داشتند یک کابینه دیگر که بنظر مردم از اشخاص خیلی خوب تشکیل شده بود و عناصر خیلی خوب داشت و موجه بود و اسم او را گذاشته بودند کابینه امید کابینه آقای حکیمی را بنده موسم بکابینه تقی زاده مینامم و در صورتیکه این کابینه موفق شد بگرفتن رأی اعتماد کارهای خوب می تواند بکند و بنده هم ورقه کبودم را پس از آنچه یاد آوری کرده اند و انجام شده باشد بورقه سفید تبدیل کنم و انتظار دارم که ایشان هم این نظرها اعمال بکنند و این تمهید قرارداد را که صد درصد بضرر ملت ایران است بیک سو بپوشند این قرارداد کنار گذاشته بشود البته اگر ما موفق شدیم و این اقدام را کردیم و یک گوشه ایران را یعنی بحرین را برگردانیم بدینا سیاست موازنه منفی خود را نشان داده ایم و وحدت کامل ایران را تثبیت کرده ایم و به هیچ دولتی هم حق نمیدهیم کدر امور داخلی ما مداخله کند (صحیح است) این تمهید قرارداد مایب دیگری دارد غیر از نظر اقتصادی، چرا؟ نقشه که ضمیمه قرار داد ۱۹۰۷ هست پیش من موجود است و در قرارداد تمهید نفت هم منطلقه نفوذ و امتیاز نفتی نقشه دارد که حاضر است و در این نقشه امتیاز نفتی صد هزار میل مربع تعیین شده است و مناطق نفوذ غوری و انگلستان آنوقت را مخلوط کرده است ما هیچگاه این قرارداد را نشناخته ایم و نخواهیم شناخت و عملاً هم نباید وسیله میدان رقابت یکی بر علیه دیگری و تحریک کشوری بر علیه کشور

دیگری در ایران بشویم این قرارداد این ضرر را برای ما دارد یعنی از زیر قشر زمین شروع میشود تمام دشت جنوب غربی ایران را میگیرد و میاید از شیراز عبور میکند و تمام بندر خلیج فارس را میگیرد و میرود بجهانبار فقط در این قرارداد از نظر محبت بسا قسمتهای کورپرا از سهم اولی موضوع کرده اند (خنده متند نمایندگان) یعنی کورمال خودمان باشد این تمهید قرارداد از نظر اقتصادی اگر صدی بیست برای ما ضرر دارد از نظر سیاسی این قرارداد صدی هشتاد برای ما مضر است.

آقایان، ما باید زنده و باقی و قوی در این مملکت زندگی کنیم راه این نیست که میرویم آقایان بعضیها میگویند چرا این مذاکرات را اینجا میکنی پس کجا باید بگوئیم؟ این صحبت ها هم باید گفته شود ما باید اینجا کمک بکنیم و بدو آنها نظر بدهیم بلکه بتوانیم این کشتی شکسته را بیک ساحلی رسانیم هر کسی هر چه درباره من میخواند فکر بکنند بکنند که من زمی مفانه هستم مستم کر کافر و گریو بپرستم هستم هر طایفه ای بن گمانی دارند من زان خودم چنانچه هستم هستم

آنچه میگویم بصلاح ملت ایران است روزی بیاید که اگر گوش نکرید می بینید که چه بدبختی برای این ملت تهیه کردید و این بدبختی ها قابل جبران نیست گوش کنید وقتی من میخواستم صحبت بکنم بعضی از آقایان که با من خیلی صمیمیت دارند گفتند آقای چرا اینقدر جوش میزنی آخر غیر از شما صد و چند نفر دیگر هستند مگر تمام ایران را قباله کرده اند و کالت آنرا بتو سپرده اند ولی من عقیده دارم که هر که هر چه میفهمد باید بگوید صدوی و پنج نفر هم قبول کردند کردند نکردند نکردند باز آن آقای نماینده محترم از راه دوستی بمن گفت در گذشته گفتی و یازده ماه حبس بودی آقایانوس هندهم هست آب شور هم هست هوای گرم هم هست خانواده شامهم مزاج روماتیسمی دارند آنجا برایتان سازگار نیست گفتم اینها صحیح است ولی اگر قرار شد این فکر هارا ما بکنیم پس کی برای مملکت خدمت میکنید اولاً برای شما بگویم که هیچ معلوم نیست من وشا کجا خواهیم مرد و چطور خواهیم مرد کسیکه میترسد بیست و چهار ساعت هر روز میبرد و کسی که نمی ترسد یکدفعه بدینا آمده است و یکدفعه میبرد من نه از مردمی که در داخل کشور هستند و نه از مردمی که در خارج کشور هستند هیچ باک و هراسی ندارم من تشخص خودم را مملکت قرار میدهم و در این راه میروم و از هیچکس پروا ندارم اینطور صلاح می دانم و من فتوی میدهم و بشما میگویم این کار را بکنید تا دیر نشده است بکنید و اگر نکرید دولت هائی آمدند امروز و فردا کردند شما سعادت کشور را از دست میدهید مسئولیت دارید، بدنامی تاریخ دارید باید حرفهای لازم زده شود و گفته شود البته اشخاصی هستند که من خودم را با آنها مقایسه و تطبیق نمی کنم آنها جزء مردمان بزرگ دنیا هستند و بنده آدم خیلی کوچکی هستم ستمز لولول پیشوای ملت هستم صلاح کشور خود فریاد کرد او را

گرفتند و بردند و ممالک حبشی کردند چندین سال هم حبس شد ولی بالاخره استقلال مصر تأمین شد باید مردم فداکار و از جان گذشته باشند تا کشورها بتوانند استقلال خود را حفظ کنند و اهمیت کشور ما بده زیاد جمعیتشان نیست اگر فرار بود که تعداد نفرت دنیارا در زیر نگین داشته باشد بر چهار صد و هجده میلیون جمعیت چین دوازده میلیون اهالی منولستان در طی قرون حکومت کردند ۳۶۰ میلیون جمعیت هندوستان که خوشبختانه امروز از زیر نفوذ و سیطره استعماری امپراطوری انگلیس بیک صورتی خارج شده است و انشاالله بهتر خواهد شد مملکت همسایه و همکیش ماست ولی ممالکی هستند که سه چهار میلیون جمعیت دارند مثل ممالک شمالی اروپا سوئد، فنلاند و دانمارک اینها ممالکی هستند که سه چهار میلیون جمعیت دارند ولی اینها نشان دادند که حق دارند زنده باشند و زنده خواهند بود چندین سال زیر لگه چکمه نازی بودند ولی الان دوبره استقلال خودشان را دارند سوئد توانست بالاخره بیطرفی خودش را حفظ کند کشور باید مردان و رجال داشته باشد زندانی شدن و حبس مال مردانست مرد ها باید بروند حبس بشوند کشته شوند چه اهمیت دارد کانهی پیشوای هند سالها در گوشه زندان گذرانند و بالاخره موفق شد موفقیت و هدم موفقیت هم روی خوشبختی و بدبختی اشخاص است دوفر درد دنیا برای یک منظور معنی در طی هزار و هشتصد و پنجاه فاصله برای خلاص کشور خود اقدام کردند این هر دو در تاریخ نام بزرگی دارند وقتی که سزار قیصر روز از کوههای آلپ سرازیر شد سردار بزرگ گلو اورسن ژنرال بزرگ مرد بزرگ که تاریخ او را فراموش نمیکنند استاد در جلو تریبون های رومن ولی بالاخره مغلوب شد سزار او را گرفت آورد برم وقتی که میخواست به سنا برود وقتنامه اش را بخواند گفت همراهش را ببندند و رسن ژنرال بزرگ را بجای اسب برابه بستند - درصد و پنجاه سال قبل واشنگتن بزرگترین مرد ممالک متحده آمریکا علم استقلال بر علیه استعمار انگلستان برافراشت و بالاخره موفق شد که استقلال ممالک متحده امریکارا بوضع فعلی تأمین بکند و در ۱۰۰ سال قبل ملتی بوجود آورده است که الان می بیند اینها در فاصله ۱۸۰ سال یکی بچنگ میبرد و موفق میشود و دیگری تیره روز بعد از شش سال حبس دردم کشته شد اما تاریخ نام هر دو را با افتخار ذکر میکنند از من بشنوید ترسید یکدفعه بیشتر نمیبرید مطمئن باشید کسانی هم که الان در این مجلس هستند از نظر سیاست بعضی دوسال و بعضی ناچهل سال فرصت مداخله در سیاست را دارند این حد اکثر است من بشما میگویم که پنجاه سال ۶۰ سال دیگر هم بالاتر برویم صد سال دیگر بکنفران ما نیستیم در ۱۴۲۶ بشما خبر مهمم بکنفران از شما نیستید (خنده متند نمایندگان) برای این مدت کوتاه این همه کجروی نمیخواهد بیاید نیکنامی تهیه بکنید این حرف هائی که من زدم راست و صاف است و غلغوش ندارد بیاید برای کشور خودتان خدمت بکنید کسی نمیداند که ما تا کی زنده باشیم ممکن است ما الان ببریم ما اگر بخواهیم کشور ما زنده و سرفراز باشد خواهد ماند اشتباه میکنید ضمانت هیچ دولتی نمیتواند برای ما

مفید باشد مگر اینکه ما مردمان حافظ خودمان باشیم (صحیح است صحیح است) اول کشور ما باید مردمش حافظش باشند بعد هم ضامن بیاید ضمانت بکند هیچوقت شنیده ام که کسی بیاید توی قبرستان و ضامن مرده بشود باید زنده باشد و سربا باشد اینها را از من قبول کنید من البته بین آقایان را ندارم ولی یک کمی تجربه دارم ببینید آقایان من که بایی طمی و بی فرضی و بی نظری همه آقایان را قبول دارم شما هم بیاید دو کلمه حرف بزنید بکنید دادو فریاد نکنید اگر هم نتوانستید قبول بکنید نکنید وضعیت لهستان هنوز جلوی چشممان است همه میدانیم و هنوز ضبط بتاریخ نشده و زنده است لهستان جنگ دوم جهانی بر سر او شروع شد این کشور تمام زمامداریانش در خارج از کشور به بدبختی و تیره روزی مردند هیچده میلیون لیره طلائی بانک لهستان قرضه بترکیه داده شد دهوا دوسر - دلان دانزیک بود و چهار میلیون تلفات باین کشور وارد شد.

رئیس - آقا اینجا شما از موضوع دارید خارج میشوید جنگ لهستان و دانزیک مربوط بمابست آنچه مصلحت مملکت ماست بفرمائید.

عباس اسکندری - همین را که دارم میگویم بصلحت مملکت ماست گفتم اگر آقایان اجازه نمیدهند رأی بدهند من عرضی نمیکنم

رئیس - اجازه با آقایان نیست با من است شما مطابق نظامنامه در برنامه میروید صحبت کنید.

عباس اسکندری - بنده این را تطبیق میکنم با برنامه و خدمت آقایان عرض میکنم چون برای هر چیزی یک مثالی لازم است این را میگویم البته و رسن ژنرال بزرگ جزء برنامه آقای حکیمی نبود (خنده متند نمایندگان) آنرا هم بعنوان مثل بنده عرض کردم ... بعد از اینکه جنگ تمام شد کشوری که ۴ میلیون تلفات داده بود و جنگ در سر او شروع شده بود همان دول ضمانت کننده گفتند که خطا گورزن صحیح است و با وصل کنید ما حاصل ما باید از این تجارت بمررت بگیریم و آنها را در نظر داشته باشیم و صلاح و سعادت و نجات کشور خودمان را خودمان باید تشخص بدهیم صرف دیگران گوش ندهیم و به ریسانهای یوسیده دیگری بچاه نیفتیم (فرامرزی اینطور هم هست) چه بهتر سعادت مندی شماست (فرامرزی - مسلماً اینطور است) بنده از جناب آقای حکیمی (یک نفر از نمایندگان - نیستند) خوب از دولتشان تقاضا میکنم که در برنامه ای که دارند تجدید نظر بکنند و جناب آقای تقی زاده هم تشریک ساسی فرمایند و بالاخره این دو موضوع را در جزء برنامه خودشان بگذارند و برای آنها قدم بردارند در این وضعیت کالان هست در حکم دلمی است و مملکت است که بیک روزی اسباب زحمت ما بشود این را با دست ما هرانه خودشان مرتفع بکنند و منو تماهلت ایران را شکر گزار نمایم ملت ایران دیگر نمیتواند تحمل نماید همانطور که در پشت این میز خطابه گفتم دیگر برای مردم چیزی باقی نمانده اینها فقط یک

نفسی میکنند شما میفرمایید آتراهم بگیرید (کشاورز صدر - چه چیز را در برنامه بگذارند؟) . . . راستش اینست که شما آقای کشاورز صدر وجود حاضر و غایب هستید یعنی مطالبی که گفته میشود گوش نمیدهید و بعداً میبرسید گفتیم این دو موضوع را بگذارند در برنامه خود و عمل کنند حالا بحث سیاست خارجی را تمام میکنم چون غالباً آقایان خوششان نمی آید و میگویند بایستی در منزل گفت در خانه به آقای وارسته وزیر است و تلگراف عرض میکنم که این وزارت است و تلگراف ما خیلی خراب است و معمولاً تلگرافات با پست میرسد (خنده نمایندگان - صحیح است) و پول زیادی از مردم گرفته میشود و بعد هم اشخاصی که تلگراف کرده اند بعد از دو سه روز که وارد میشوند زن و بچه و زندگی خود را سر میزنند مأمور تلگراف می آید و تلگراف را می آورد انعام هم میخواهد (خنده متند نمایندگان) بنده چون شمار اشخاص و ارسته ای میدانم انتظار دارم که یکدقت بیشتری در آن وزارتخانه بفرمائید و یک قسمتی هم چون مربوط بشما خواهد بود عرض میکنم بنده در موقتی که آقای تقی زاده وزیر مالیه بودند و کالت میگردم موضوع کارورتن سه سال را کاملاً استحضار دارم حکمی هم صادر شده بود ایشان هم بطرفانه آن حکم را اجرا کردند اخیراً شنیده میشود یک اشخاصی کبسه های بلندی تهیه کرده اند و از همه قسم و از همه طبقات و تمام مومنین را خبر مکرده اند که برویم بسمت ۷۲۰ پارچه آبادی اینها متعلق بدولت ایران است و اینها واگذار شده است بدولت که بصرف امور خیریه برسد و مال اشخاص نیست یعنی مال کسانی نیست که حق مطالبه داشته باشند جزء آن اسلک مقصوبه نیست که بگویند که اینها بزرگ گرفته شده است من خودم در این دوسه وارد بوده ام مرحوم سیهسالار خلعتبری هفتصد و چهل هزار تومان بیانک استراضی قدیم که بانک ایران بود مقروض بود در حدود چهارصد هزار تومان هم بدهی داشت بابت مالیات وزارت دارائی در آنوقت آمد بکسیوسون و صد و سی هزار تومان قرض او را تشخص داد و املاک را تقویم کرد و این املاک واگذار شد به وزارت دارائی و بیانک ایران بعدها پادشاه سابق اینها را از بانک ایران و وزارت دارائی خریداری کردند و بعدها واگذار شد بدولت ایران (صحیح است) پس بهیچ صورت این املاک املاکی نیست که کسی بخواهد در باره آنها اقدام دهمی بکند و بخواهند در این مملکت (دکتر مجتهدی - اسمشان را بگوئید) (کنجه ای - شما که آدم با شهادتی بودید) چون بنده شنیده ام که جمعی از این قبیل زوار و زائرین راه افتاده اند (وارسته - اسم بنده را چرا بردید) چون جناب عالی وارد این قضیه هستید از نظر اینکه شما بسیار آدم درستی هستید اجازه بفرمائید بهیچ صورتی در بیان من سوء تفاهمی برای هیچکس حاصل نشود من نسبت بشما هم ارادت دارم و هم شما را آدم درستی میدانم اما از نظر اینکه شما بستگی دارید بیک وقتی هم فیم امیر اسد بودید منظور اینست که شما بستگی دارید و باشخاصی که

در داخل یا خارج آن خانواده هستند تذکر بدهید که این موضوع منتهی است والا در بیان من هیچگونه نظری و سوء نظری نسبت به آقای وارسته نیست ایشان بسیار بسیار مرد نیکی هستند (صحیح است) اینهم لازم بود قید شود - آقایان هم خسته شده اند و بنده هم فعلاً دیگر عرضی ندارم.

فرامرزی - من اخطار نظامنامه ای دارم .

رئیس - تمام شد بیانات شما آقای اسکندری سه نفر از آقایان بر طبق ماده ۱۰۹ اجازه نطق خواسته اند آقای تقی زاده .

تقی زاده - توضیحی میخواهم بدهم راجع بکله ای که ایشان فرمودند بعضی کلمات گفته شده است که در میان بعضی از ماها هر کلمه معنی را دارد صد معنی دارد غیر از آن معنائی که قائل قصد کرده است همه معانی را دارد حالا معلوم میشود که هر کلمه منتسب و مستندی که هر کس گفته صحیح است غیر از کسی که با او نسبت یاربط دارد صحبت هائی شده که بنده دخالت یا شرکت یا مشاوره ای در تشکیل کابینه دارم ابدأ و اصلاً صحیح نیست نه چند درصد، پنجاه درصد، نود درصد، ۹۹ درصد، بلکه صدر صد باطل است، بعضی از جرایم نوشته اند که راست است تکذیب کرده ولی دست دارند، حالا ایشان هم که کمال لطف را دارند و اینها را ندارند اینطور میگویند، اگر منظور این است که اعضای این کابینه بوسیله بنده انتخاب شده اند عرض میکنم بنده هم موافق این کابینه هستم و اعتقاد باین کابینه دارم و هم کمال انلاص را بآقای رئیس الوزراء دارم (صحیح است) این دوتا در جای خود هست و این ابدأ و اصلاً یکدفعه هم بنده نوقت کردم و نه کسالت اجازه داد و اگر هم اجازه میداد چون خود بنده از آن اشخاصی نیستم که آقایان و کلای دیگر هم در مواقع صحبت بگویم خوبست که هیچ نوع بدولتها مداخله نکنیم خودم عمل نکنم اول متمظر وصل کننده باید خودم باشم و سر مشق باشم و از این کار احتراز کردم (صحیح است) اینرا از این نظر گفتم که آقایان جرایم هم التفات بکنند و بشنوند و یک تجدید نظری بفرمایند.

رئیس - آقای مهندس هدایت

مهندس هدایت - بیکروز صحیح مال خواب بیدار شدیم گفتند دوتا کشتی کدر خرمشهر داشتیم فرق کردند با ملوانان خوابش و اشخاصی کدر شهر های آذربایجان روی پشت بام خوابیده بودند بسیاران شدند و مملکت اشغال شد بعد هم پس از اینکه اشغال تمام شد پادشاه مارا با سارت بردند و ما هم با آنها متفق شدیم و در تمام مدت اتفاق آنچه که در اختیار داشتیم باختیار متفقین گذاشتیم راه آهن و تمام وسایل حمل و نقل را ملت ایران خودش نان سیلو خورد و نان گندم خودمان را بس بازاران متفقین دادیم روی دوش خودمان مهمات و اسلحه حمل کردیم همان مهمات و اسلحه ای که در استالیکرگاد دشمن را متوقف کرد (صحیح است) ما چهار سال اینکار را کردیم و این چهار سال کمک کردیم برای چه کردیم برای اینکه با

گفته مشهور آتلانتیک نوشته اند و گفتند که ملل ضعیف می توانند حقوق خودشانرا مانند ملل قوی حفظ کنند (صحیح است ، آفرین) سازمان ملل متفق تشکیل دادند و بنا گفتند که شما دارای همان شرایط زندگی هستید که دول بزرگ هستند - (گلبادی - همه را دروغ گفتند) و ما تمام این زحمات را متحمل شدیم برای اخذ نتیجه ، ولی يك وقتی بود که در داخل این مملکت يك کسانی پیدا شدند که تمام این زحمات را میخواستند بیاد دهند و مملکت را تجزیه کنند و این کشور را بیاد دهند افرادی در این کشور در نقاط مختلف بجاور بر - خاستند آن افراد افراد حزب دمکرات ایران بودند ، اولین مبارزه آشکارا با تجزیه طلبی و بیگانه پرستی و مزدوری را حزب دمکرات ایران آغاز نمود . و رویه گرفته فتح کردند ، افراد حزب دمکرات ایران بودند که در این مبارزه فاتح شدند تا اینکه دیدند در همین دستگاه مفید کسانی راه یافتند که همان نیت هارا داشتند (صحیح است) دیدند که کسانی بر هر حزب نصیحت میکنند و کسانی در اینجا هاره یافته اند که اینها خودشان هم نیتهایی را که با آن مبارزه کرده ایم داشتند (آشتیانی زاده - شاهام بانفت جنوب مشورت بفرمائید آقای هدایت) این است که آقای اسکندری (آقای اسکندری که در حزب بودند) عده ای بودند افراد حزبی که آمدند و گفتند افراد صالح و مبارز حزبی فقط عده بسیار مدودی را نمی پذیرند و به حزب خود رفتند شما برای اینکه بخواه خود بروید بسیار وسر نیز احتیاج ندارید آنها رفتند و در حزب خود قرار گرفتند حزب دمکرات ایران امروز مثل سابق وجود دارد و در این حالت يك اختلاف صیغی هم وجود ندارد ولی يك اصل را بنده یادآوری میکنم که در تفرقه کسور که روی ریزک بوکس میروند و مجادله میکنند يك نفر از آنها مغلوب می شود ولی دست آخر با هم دست میدهند ولی صحیح نبود ، کسانی که در این امر قلم نداشته اند در اینجا شکایت کنند ، ولی شخص آقای اسکندری که در هیچ حالت در حزب ما سستی نداشته اساساً صحیح نبود این مداخلات را بنمایند ، منتها بنده از ایشان تشکر میکنم برای جمع کردن ما برای تقویت ما ، برای اتفاق ما هیچ منطقی بهتر از منطق آقای اسکندری نبود کلبه افراد حزبی از هر طبقه و از هر دسته و بهر طور فکر کنند وقتی که ببینند آقای اسکندری بطرفداری آنها برخاسته آنها متعده خواهند شد برای اینکه از این طرفداری مشغول هستند - (صحیح است)

فرمودند به روزنامه اطلاعات وظیفه خود را انجام داد بنده میخوام عرض کنم که اگر این را جدی فرمودند که روزنامه اطلاعات وظیفه ملی خودش را انجام داده است که بنده عرضی ندارم (عباس اسکندری - خیر مقصود همان وظیفه ملی بود) پس عرضی ندارم ، يك نکته دیگر هم فرمودند راجع به بیانات آیدن و اشاره سیاست منحوس گذشته دولت انگلستان در ایران کردند عرض کنم اولین روزنامه ای که این بیانات آیدن که بنظرش هم کاملاً صحیح بود چاپ کرد روزنامه اطلاعات بود ولی متأسفم که شما فرمودید بنده که شما طرفدار سیاست انگلستان هستید میخواستم عرض کنم اگر حقیقه ایمانان این است شما خودتان اینطور هستید برای اینکه هیچ ایرانی با شرفی ممکن نیست پیدا شود و طرفدار این باشد که نفوذ یکی از دول خارجی چه روس ، چه انگلیس چه امریکا در ایران غلبه داشته باشد و این جار را قبضه بکنند و ما هم حرفمان با شما همین است آقای عباس اسکندری میگویم اگر راجع سیاست کلی دنیا صحبت میکنید و میگوئید امریکا ژاپن را خورد بگوئید دول بالکان هم زیر سلطه شوروی درآمد ، اگر راجع سیاست کلی دنیا صحبت میکنید و دوس سیاست با میدهند و اگر راجع ایران صحبت میکنید و راجع بحیرین صحبت میکنید راجع به آذربایجان و مطالبات ما هم از دولت شوروی در اینجا صحبت بکنید (صحیح است) بنده بیعرض کردم که شهادت ندارید راست گفتن برای اینکه مقصود این بود که این نکات را بگوئید و شما نگفتید ، یا شهادت ندارید یا نظر خاصی دارید و چون بهتان گفتن شهادت ندارید و شما نگفتید متأسفانه باید بگویم نظر خاص دارید ، اما يك نکته ای گفتید راجع بحیرین بنده این را میخوام عرض کنم کاین قسمت را متأسفانه تظاهر میکنید برای اینکه اینجا طرخی است که تقدیم مقام ریاست میکنم که چهارده امضاء دارد ولی آقای عباس اسکندری هنوز امضاء نکرده اند و این حرفهایی که میزنند بصرف تظاهر بوده تا بحال ۱۴ امضاء کردند اما ایشان مشخص و معین است و بنده هم جزو آنها هستم تقدیم مقام ریاست میکنم که ملاحظه بفرمائید این طرخی است که آقای مکی تهیه کرده اند و بنده سویم تقری هستم که امضاء کردم ۱۴ امضاء دارد و آقای عباس اسکندری امضاء نکرده اند

اردلان - طرح را بخوانید آقای رئیس - وقتی که امضاها تمام شد اینجا طرح میشود شاهام نظامنامه را بخوانید .

محمد علی مسعودی - يك نکته ای هم فرمودند ایشان راجع بیولهای حزب دمکرات و به بنده هم اشاره ای کردند و گفتند که به علاوه اینها آمده اند و میخوانند از این خوان بیاسهم ببرند ، نه آقایان شما که خودتان عضو حزب دمکرات نبودید ولی همیشه با دموکراتها می لاسیدید و

تشریف میاورید در آن جلسه فراکسیون دمکراتها و همانجا هم میدیدید که بنده بلند میشدم راجع بدزدیها ، راجع بجواز فروشها در حضور خود آقای قوام السلطنه و سایر رفقای حزبی اعتراض میکردم و این بولها را مشروع نمیدانستم و حالا هم مشروع نمیدانم ۲۳ میلیون پول گرفته شده این ۲۳ میلیون باید بر گرد بدبختانه دولت مال تمام افراد ملت ایران است کسانی که مباشرت در این کار داشته اند دولت جناب آقای حکیمی باید تمام اینها را تحت تعقیب قرار بدهد و اگر ایشان این کار را نکنند بنده از کسانی هستم که بلا فاصله راجع بشخص ایشان هم اعلام جرم میکنم بایستی آقای حکیمی تمام دزدان را در هر مقامی که هستند تعقیب بکنند (صحیح است) ما هیچ سهمی آقا نداشتیم و نداریم و هیچ چیزی نداریم شما بحمدالله وضعیتان خیلی خوب است و خداوند بیشتر هم بهتان بدهد بنده در هفت آسمان يك ستاره ندارم ولی هیچوقت طرفدار يك سیاست خاصی نبوده و نیستم و جز ایران و ایرانی فکر دیگری نخواهم کرد

فرامرزی - احسنت - آفرین

رئیس - آقای فرامرزی .

فرامرزی - بنده هم قصد نداشتم که در حین مطرح بودن برنامه جناب آقای حکیمی حرف بزنم برای اینکه فراکسیون ما اینطور تصمیم گرفت ولی آقای عباس اسکندری چند گوشه زدند به بنده که ناچار شدم هر ایضی برض برسانم (عباس اسکندری بنده گوشه زد) یکی آن صحیح است و بنده میگویم چرا غلط است دوم اینکه چرا اوقات تلخ میشود اگر اینها گوشه نیست پس باید گوشه خرید و دوباره گذاشت والا اینها منابش این است ، عرض کنم باینجه لازم دانستم یکی از خودم و یکی از همقطاران خودم که فرمودند نمایندگان جنوب دفاع کنیم اینرا آقای اسکندری باور بفرمائید که مردم جنوب فوق العاده وطن پرست هستند (صحیح است) هیچوقت در جنوب تظاهر خیانت محال است بشود (صحیح است) يك کسی در جنوب اگر چه باطلناً هم بخواهد خیانت بکند بقدری مجبور است در لافاه به بیچد که بیش زنش و بجهش بتواند قسم بخورد که من خیانت نکرده ام برای اینکه آنوقت بجهش با او معاشرت نمیکند زنش هم آزش طلاق میگردد ، اکثر نقاط جنوب این طور است ، این قضیه ای که در بعضی نقاط رخ داد و علناً گفتند مرتجع است کسی که بگوید يك قسمت از مملکت برگردد ، اجنبی ، نوکر اجنبی است کسی که بگوید يك قسمت از مملکت باید برگردد همچنین چیزی در جنوب محال است بشود ؛ (امامی امری - آقای فرامرزی مردم آذربایجان نبودند آنها آذربایجانی نبودند متظاهر بودند با آذربایجانی بودن) (صحیح است) (اسلامی - آنها آذربایجانی نبودند)

مملکت میخوام قصد اهانت نبود عقیده بنده راجع بر مردم آذربایجان و مردم شمال ایران معلوم

است خیلی نوشتام ایشان ستون و سنگر استقلال ایران بوده اند و در مواقع حملات خیلی سخت و شدید آذربایجانی ها بودند که دفاع کردند (صحیح است) و استقلال ایران را حفظ کردند (صحیح است) بنده کی میگویم مردم آذربایجان اینطورند (بهادری - خیلی متشکریم شما بنده خواستم عرض کنم خدمت آقای اسکندری و سایر آقایان نمایندگان معترم ملت ایران است کسانی که مباشرت در این کار شوم دارد که خائن را از خادم بشناسد (صحیح است) و سوابق زندگی همه ما ها که پیرونده زنده یکدیگر هستیم اینقدر نشان میدهد که معلوم باشد کی خائن است کی خائن نیست (صحیح است) کی خدمت میکند کی خیانت میکند ، تصور میکنم جامعه متفکر ایران این را تشخیص بدهد ، بنابر این احتیاجی ندارم که از خودم یا از همقطاران و رفقایم دفاع بکنم . فقط میخواستم استفاده از موقع بحکم عرض کنم هی ما را می رسانند که سیاست خارجی همچین است نمیدانم رهد میشود ، برق میشود ، فقط میخوام بدانم ما چه کنیم که این رهد و برق نشود ؛ اگر ما ایجاد بکنیم ما عملی بکنیم البته ما قابل ملامت هستیم ولی اگر چنانچه دیگران میخوانند این عمل را بکنند و گردن ما بگذارند ما چه بکنیم ؟ ما از کسی چیزی خواستیم تجاوزی کردیم ؟ مطالبه حقوق گذشته ای کرده ایم ما که چیزی نگفتیم (اسکندری - آقا این حرفها کدام است پس هیچکس نمی تواند جلو مطالبه شما را بگیرد) پس چهار بکنیم که نگویند شما نوکر يك طرف دیگر هستید اگر چنانچه يك عملی پیش نیامده بود بالا نرفته بود و يك چیز هائی بالای رده نیامده بود می گفتن که مقصود از این حرفها حسن نیت است ولی وقتی ما دیدیم يك قسمتی از مملکت ما تجزیه شد وقتی ما دیدیم از حرکت نیروی مادر داخل مملکت ما جلوگیری کردند وقتی ما دیدیم مطالبات چیزهای جدیدی از ما کردند و هر کدام از ما گفتیم نباید بدهیم گفتند مرتجع است نوکر اجنبی است ، چهار کنیم که نگویند نوکر اجنبی است ؛ اگر ما عملی کردیم آنوقت قبول است و من خیلی متأسفم که در مجلس مایهه کردم روی دودستگی روی اختلاف شخصی بعضی اشخاص مطالبی که بزبان استقلال مملکتشان بود تصدیق می کردند . مگر مملکت تنها مال آقای حکیمی است که ما برای خاطر مخالفت با ایشان مخالفت با استقلالان بکنیم و مطالبی که بضرر مملکتان است و معلوم است که برای چه گفته میشود تصدیق کنیم ؟ موازنه ، بفرمائید ماهه مان طرفدار موازنه هستیم ولی موازنه بمعنای حقیقی یعنی چه ؟ مثلا قشون اجنبی در مملکت ما بود ، ما گفتیم قشون اجنبی از مملکت ما برود بیرون ما نگفتیم اینها بروند و آنها نروند ؟ ما گفتیم همه بروند ، یکی از دو طرف می گوید اگر بگوئی قشون من هم برود تو نوکر او هستی . حالا من چهار کنیم که نگویند نوکر او هستی ؟ اگر یکی کاری میکرد و ما حرف نمیزدیم این

است وجود مستشار در آنجا هست و در امور آنجا دخالت می کند باید دولت ایران اقدام بکنند که بحیرین بر باید دولت ایران اقدام بکنند که بحیرین بر کردد (صحیح است) ولی اگر این طرح از روی وطن پرستی نه بقصد ایجاد يك فتنه ای است من استدعا میکنم این در يك جلسه خصوصی مطرح بشود و رویش بحث بکنیم من هم اطلاعاتی که دارم برض آقایان میرسانم و طوری عمل بکنم که تفهیمه بدما حق مطالبه اش را هم نداشته باشیم (عباس اسکندری - این حرف ها کدام است ؟ هیچکس حق ندارد جلوی مطالبه ما را بگیرد این حرف ها چیست ؟) ولی من يك سؤال میکنم و از جناب آقای حکیمی میخوام مخصوصاً که حقوق ما را در بحیرین بخواهند منافع ما را در نفع جنوب بیشتر تامین کنند و از ایشان میخوام که حسابحشولات را روشن بکنند (صحیح است) قرار داد که ما با اتحاد جماهیر شوروی راجع بشیلات داریم کاملاً عملی شود (صحیح است) حقوق ما در آشوراده و فیروزه کاملاً برگردد طلاها و مطالباتی که از متفقین داریم چه اتحاد جماهیر شوروی چه امریکا و چه انگلین من نمیدانم دولت باید مطالبه بکند و هر ایرانی که مدعی است وطن پرست است این هارا هم بگوید والا ما موراست می خواهد اینها را بهانه قرار بدهد برای حمله با نظرف مطالبه بحیرین و تجدید نظر در امتیاز نفت جنوب يك عمل شرافتمندانه ای است ولی بحیرین را وسیله قرار دادن برای دادن يك قسمت ایران بسیار شرفی است

آشتیانی زاده - بنده طبق ماده ۱۰۹ اخطار نظامنامه ای دارم .

رئیس - شما توهینی نشده و پیشنهادی از طرف آقایان رسیده جلسه فردا باشد فعلاً اکثریت هم نیست باید تکلیف دولت معلوم شود جلسه را فردا چهار بعد از ظهر قرار میدهم (ساعت هشت و پنج دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

اجتار گلشن

ساعت چهار بعد از ظهر دیروز (سه شنبه ۱۰ دیماه ۱۳۲۶) شعبه سوم پریات آقای دکتر مغزی تشکیل و با حضور ۱۷ نفر اعضاء شعبه پرونده انتصابات ساوجبلاغ مطرح و چون مطالبات پرونده در جلسات متعدد گذشته انجام یافته بود لذا بنا به پیشنهاد آقای مهندس رضوی قرار شد به پرونده ایشان از دو لحاظ رای گرفته شود .

اول اینکه آیا انتصاب ایشان اشکال قانونی دارد (طبق ماده ۴۴ قانون انتخابات) دوم اینکه آیا اصولاً انتصابات مجدد ساوجبلاغ و نایبندگی آقای کهد صحیح بوده یا خیر ؟

به قسمت اول رای گرفته شد از ۱۷ نفر عده

حاضر ۹ نفر عقیده داشتند انتخاب آقای کهیدمانع انونی دارد و ۸ نفر عقیده باین موضوع نداشتند .
و در قسمت دوم نیز از ۱۷ نفر عده حاضر در شعبه ۹ نفر عقیده به صحت انتخابات مجدد ساوجبلاغ نداشته و یک رأی سفید و ۷ نفر معتقد به صحت انتخابات مجدد بودند .
در نتیجه قرار شد گزارش شعبه مبنی بر رد نمایندگی آقای کهید بدین طریق به مجلس تقدیم گردد .



روز سه شنبه ۱۰/۱۰/۲۶ چهارونیم بعد از ظهر کمیسیون معاسبات مجلس بریاست آقای سزاوار و با حضور آقای امینی یکی از کارپردازان بودجه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی مطرح پس از توضیحاتی که از طرف رؤسای معاسبات و کارگزینی داده شد با قسمتی از بودجه موافقت حاصل و بقیه بجلسه بعد موکول گردید



دو ساعت و نیم قبل از ظهر روز سه شنبه ۱۰ دی ماه ۲۲۶ برحسب وقتی که قبلا مین شده بود کمیسیون بودجه با حضور جناب آقای حکیمی نخست وزیر و کلیه آقایان وزراء بریاست آقای میر سبغی بهیجانی تشکیل پس از مذاکراتی در اطراف بودجه ملکتی و طرز رسیدگی بودجه و حذف اقلام غیر ضروری و تجملی بالاخره قرارداد دولت تا ۱۰ اسفند ۲۶ بودجه ۱۳۲۷ خود را به مجلس شورای ملی تقدیم و نسبت ببودجه سه ماهه آخر سال هم ماده واحده زیر با موافقت دولت تصویب گردید

ماده واحده - بوزارت دارائی اجازه داده میشود کلیه حقوق و کمک هزینه های وزارتخانه ها و ادارات و دستگاه های دولتی و سایر اعتبارات بودجه کل کشور را در ۳ ماهه آخر سال ۱۳۲۶ در حدود ۳ دوازدهم اعتبارات بودجه ۱۳۲۶ تقدیمی دولت سابق آقای قوام با رعایت تبصره یک و ۳ ماده واحده مصوب آبان ماه ۱۳۲۴ و سایر قوانین و مقررات مالی پرداخت نماید .

تبصره ۱- وزارت دارائی مکلف است کدر ظرف این سه ماه از پرداخت هزینه های تجملی غیر لازم از قبیل اتومبیل های غیر لازم و حقوق و هزینه سفر اشخاص که بدون ضرورت بمدایز بهمن ۱۳۲۴ اضافه شده خودداری نماید .

تبصره ۲- کمیسیون بودجه برسدگی خود به سباهه جزء بودجه ۱۳۲۶ ادامه خواهد داد و آنچه زائد بدانند حذف خواهد کرد - تصمیمات کمیسیون مزبور از تاریخ تصویب اجراء خواهد شد و آنچه حذف شد قابل پرداخت نخواهد بود .

شماره ۳۰۸۲۷-۱۴۰۷۴ ۲۶-۱۰-۱۰

آقای محمدخوینی سردفتر اسناد

رسمی شماره ۱۱ کلاته خنجر شاهرود

چون بموجب دادنامه قطعی مورخه ۲۱-۸-۲۶ دادگاه بدوی انتظامی سردفتران محکوم بتوییح با درج در روزنامه رسمی شده اید اداره کل ثبت بدین وسیله مفاد دادنامه مزبور را در مورد شما اجرا مینماید مدیر کل ثبت